

روش تفکر تحلیلی - ترکیبی
در آثار مبارکه

جزوه دانشجو

ترم ۲

کاردانی پیش دبستانی
۱۶۴ بدیع

دانشجویان عزیز و گرامی :

بسیار خوشوقتیم که که من بعد طی ۴ ترم متوالی با ارائه دروس امری مربوط به تعلیم و تربیت در خدمت شما عزیزان هستیم . این سلسه دروس که عناوین آنها به ترتیب عبارت است از : " روش تفکر تحلیلی و ترکیبی آثار مبارکه " - " زمینه کلی تعلیم و تربیت " - " مربی و متربی بهائی " و کلمه الله و نحوه مواجهه نونهالان با کلمه الله به نظم و ترتیبی خاص ارائه می گردد . در اولین قدم شما با مطالعه جزوه حاضر با روش مطالعه این درس آشنا می شوید و انشاء الله در خاتمه این ترم مهارت کافی در تحلیل و نیز ترکیب مندرجات آثار مبارکه به دست خواهید آورد . کسب این مهارت همچنین شناخت و درک هر چه بیشتر این روش مطالعه و بررسی ضامن توفیقات آتی شما در مطالعه دروس بعدی نیز خواهد بود .

در درس دوم " زمینه کلی تعلیم و تربیت " به مطالعه نصوص و آثار مبارکه در خصوص تعلیم و تربیت بهائی می پردازیم که ذیل هفت عنوان اصلی طبقه بندی شده اند . این عناوین هفت گانه عبارتند از : مقام و منزلت - ضرورت و اهمیت - مقاصد و اهداف و نتایج - اصول اساسیه و خواص کلیه - موظفین - روش های مصرحه در آثار و مواد و محتوای تعلیم و تربیت .

درس سوم : " مربی و متربی بهایی " به تبیین و توضیح دو رکن اساسی در امر تعلیم و تربیت یعنی " معلم و شاگرد " می پردازد چرا که در حقیقت آموزش و یادگیری محصول تعامل متقابل این دو عامل اساسی است .

در آخرین درس " کلمه الله و نحوه مواجهه نونهالان با کلمه الله " کلمه الله را به عنوان مهمترین و ارزشمندترین ماده و محتوای تربیتی معرفی می نمایم . اینکه چه ویژگیها و خصوصیات آن را در میان خیل عظیم اطلاعات و مواد آموزشی گوناگون ممتاز و برجسته می نماید و نهایتاً اینکه ما چگونه می توانیم مفاهیم عالیه مندرج در کلمه الله را به نونهالان تعلیم دهیم .

امیدواریم از همین ابتدا و در شروع راهی که با هم آغاز کرده ایم با کمال شوق و علاقه با ما همراه و همقدم شوید و روش مطالعه مطروحه در این جزوه را به عنوان یکی از روشهای مؤثر و کارآمد در مطالعه دقیق و عمیق آثار مبارکه فراگیرید و بکار بندید تا از نتایج و برکات حاصل از کشف اسرار و رموز مندمج در آثار ، آنقدر که برای یافتن آنها سعی و تلاش نموده اید حظ موفور برید . بدون شک هیچ امر دیگری به اندازه تجربه شخصی شما در میدان عمل نمی تواند در این سبیل شوق برانگیز بوده ضامن اجراء صحیح و دقیق آن باشد .

اهداف جزوه ((روش تفکر تحلیلی - ترکیبی آثار مبارکه))

هدف کلی در حیطه عاطفی : به نقش یادگیری روش تفکر تحلیلی - ترکیبی در درک آثار الهی ارج می‌نهد .

اهداف آموزشی :

- ۱- جهت آموختن روش تفکر تحلیلی - ترکیبی به دقت گوش می‌دهد . (سطح دریافت)
- ۲- از فعالیت های فردی و گروهی در کلاس استقبال می‌کند . (سطح واکنش)
- ۳- برای کسب مهارت روش فوق پیشنهاد انجام تمرین های اضافی می‌دهد (سطح ارزش گذاری)

اهداف کلی در حیطه شناختی

- ۱- برای فهم دقیق آثار مبارکه بیانات را تجزیه می‌کند .
- ۲- اجزاء تقسیم شده بیانات مبارکه را به شیوه جدید ترکیب می‌کند .

اهداف آموزشی

- ۱- نصوص مبارکه را به جملات کوتاه که حداقل حاوی يك اطلاع باشد (فقرات دقیقه) تقسیم می‌کند . (سطح تجزیه)
- ۲- کلیه اطلاعات موجود در يك جمله کوتاه از بیان مبارک (جنبه مطلقات) را استخراج می‌کند . (سطح تجزیه)
- ۳- اطلاعات مستخرجه را عنوان بندی می‌کند . (سطح تجزیه)
- ۴- عبارات متشابه العنوان را در يك گروه (طبقه) قرار می‌دهد . (سطح تجزیه)

ماه اول تا دوم

- ۵- تعاریف صحیحی از اصطلاحات (فضاي کوچک حقیقت) و (فقره دقیقه) ارائه می‌دهد (سطح دانش)
- ۶- روابط اطلاعات یا متعلقات روابط زوج های موضوعی را کشف می‌کند . (سطح تجزیه - سطح درک)

ماه دوم تا سوم

- ۷- برای هر فقره دقیقه نمودار روابط مواضع ترسیم می‌کند (سطح ترکیب)

۸- برای نمودارهای روابط موضوعی حول یک موضوع مشترک دیاگرام دایره‌ای رسم می‌کند. (سطح ترکیب)

ماه سوم تا چهارم
۹- موارد جمع‌آوری شده اطلاعات در نمودار ترکیبی را سازمان‌دهی می‌کند (سطح ترکیب)

۱۰- مجموعه اطلاعات کسب‌شده را با توجه به سازمان‌دهی خود به‌طور شفاهی شرح می‌دهد (تقریر سیستمی سطح ترکیب)

۱۱- با استفاده از مجموعه اطلاعات کسب‌شده و سازمان‌دهی خود مقایسه می‌نگارد (تبیین سیستمی سطح ترکیب)

۱۲- از مقاله جناب دکتر علیراد داودی (اصول اساسی، مقام و منزلت، اهمیت و ضرورت، موظفین و محتوای) تعلیم و تربیت بهایی را استخراج می‌کند. (سطح درک)

۱۳- با استفاده از مقاله دکتر داودی و موارد مستخرج از آن مقاله‌ای به قلم خود می‌نویسد. (سطح کاربرد)

۱۴- کلیه مفاهیم موجود در مقاله دکتر داودی را توضیح دهد.

ماه چهارم تا پنجم

اهداف کتاب مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی

هدف کلی در حیطه شناختی

۱- حقایق مطروحه در آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت بهائی را درک می‌کند.

اهداف آموزشی

- ۱- علت جمع آوری نصوص درباره تربیت بهائی توسط بیت العدل اعظم را بیان می‌کند. (سطح دانش) (مقدمه کتاب)
- ۲- تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء راجع بر وجود یا عدم يك روش تربیتی خاص و نحوه تهیه يك برنامه کامل تعلیمی بهائی را توضیح می‌دهد. (سطح درک و فهم) (مقدمه کتاب)
- ۳- علت اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت صحیح اطفال با توجه به بیانات بیت العدل اعظم را شرح می‌دهد. (سطح درک) (مقدمه کتاب)
- ۴- نصوص مبارکه را به فقرات دقیقه (جملات کوتاه معنا دار که حتی الامکان یک اطلاع مشخص داشته باشند) تبدیل می‌نماید و بر اساس ۷ موضوع محوری تعلیم و تربیت عنوان گذاری می‌نماید
- ۵- بر اساس روش تفکر تحلیلی و ترکیبی کلیه بیانات مبارکه را مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار می‌دهد.
- ۶- عناوین فرعی مقام و منزلت تعلیم و تربیت بهائی در آثار مبارکه را استخراج می‌کند (سطح درک)
- ۷- ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت بهائی از نظر هیاکل قدسیه به استناد بیانات مبارکه را توضیح می‌دهد. (سطح درک و سطح کاربرد)
- ۸- مقاصد و اهداف و نتایج تعلیم و تربیت بهائی را در نصوص مبارکه جستجو و فهرست می‌کند. (سطح دانش)
- ۹- جهت نصوص مربوطه به هر عنوان اصلی حتی الامکان عناوین فرعی پیشنهاد می‌کند. (سطح درک)
- ۱۰- موظفین تعلیم و تربیت بهائی را معرفی می‌کند. (سطح دانش)
- ۱۱- صفات و خصوصیات مربیان بهائی را با توجه به نصوص مربوطه توصیف می‌کند. (سطح دانش)
- ۱۲- انواع محتوای تعلیم و تربیت بهائی را با توجه به نصوص مبارکه شناسایی می‌کند (سطح درک)

- ۱۳- اصول اساسی در تعلیم و تربیت بهائی را در آثار مبارکه کشف می‌کند. (سطح کاربرد)
- ۱۴- روشهای مصرحه در آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت را تشخیص می‌دهد. (سطح درک)
- ۱۵- با استفاده از نمودارهای ترسیمی نصوص سخنرانی می‌کند. (سطح ترکیب)
- ۱۶- نمودارهای ترسیمی خود را به صورت مقاله‌ای بازنویسی می‌کند. (سطح ترکیب)
- ۱۷- سخنرانی‌ها (تقریر سیستمی) یا مقاله‌های (تئوریک سیستمی) مطروحه در کلاس را ارزیابی می‌کند (سطح ارزشیابی).
- ۱۸- کلیه مفاهیم مندرج در مجموعه نصوص مبارکه را توضیح می‌دهد؟

تکالیف

این درس شامل ۴ تکلیف است که دانشجویان موظف به ارائه تکالیف طبق جدول زمانبندی در کلاسهای حضوری هستند.

هر تکلیف دو قسمت الف و ب دارد که جمعاً ۵ نمره به هر دو قسمت تعلق می‌گیرد.

قسمت الف: انجام تکلیف از روش تفکر تحلیلی - ترکیبی طبق برنامه تدریس شده: ۲/۵ نمره

قسمت ب: فیش برداری از کتاب "مجموعه نصوص درباره تعلیم و تربیت" ۴/۵ نمره

دانشجویان موظفند در هر ماه از صفحات مشخص شده حداقل ۳۰ عدد فیش بنویسند و فیش‌ها را در داخل پاکت قرار داده و به مدرس تحویل دهند. فیش‌ها باید از تنوع موضوعی (۷ عنوان اصلی) برخوردار باشند. برگه‌های فیش برداری را می‌توانید آماده خریداری نموده و یا مانند فرم نمونه تهیه نمایید. مجموعه فیش‌ها را به دقت نگهداری کنید زیرا در ترم آینده در تمرین‌های کلاسی از آنها استفاده خواهید نمود. از افرادی که در کلاسهای حضوری فیش‌ها را همراه نداشته باشند نمره کسر خواهد شد. ذیلاً نمونه‌ای از فیش برداری ارائه می‌شود. در صورت تمایل بیش از تعداد مشخص شده فیش برداری کنید و مطمئن باشید این مجموعه گرانبها همواره مورد استفاده شما قرار خواهد گرفت. فرض کنید در حین مطالعه کتاب مجموعه نصوص مبارکه می‌خواهید از بیان مبارک زیر فیش برداری کنید:

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند "از جمله محافظ‌دین الله تربیت اطفال است که اعظم اساس تعالیم الهیه است. پس باید امهات اطفال شیرخوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند زیرا اول مریی امهاتند ..."

با روشی که تا کنون آموخته‌اید بیان مبارک را به جمله‌ای کوتاه و مستقل (فقره دقیقه) که حداقل حاوی یک اطلاع باشد تبدیل کنید. در جمله کوتاه زیر موضوع یا عنوان اصلی که مورد نظر است خط بکشید و عنوان اصلی را در بالای فیش ثبت نمایید. در هر فیش نباید بیش از یک جمله کوتاه نوشته شود. لطفاً به نمونه فیش‌هایی که از بیان مبارک فوق استخراج شده توجه نمایید:

عنوان اصلی : نتایج تربیت	نام کتاب : مجموعه نصوص تربیتی	مستقیم
عنوان فرعی : حفظ دین	شماره فیش ۱	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
<p>حضرت عبدالبهاء می فرمایند :</p> <p>"از جمله <u>محافظ دین الله</u> ، تربیت اطفال است "</p> <p>ص ۳۰</p> <p>نظریه :</p>		

عنوان اصلی : مقام و منزلت	نام کتاب : مجموعه نصوص	مستقیم
عنوان فرعی : تعالیم الهیه	شماره فیش ۲	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
<p>حضرت عبدالبهاء می فرمایند :</p> <p>"از جمله <u>محافظ دین الله</u> ، تربیت اطفال است که از <u>اعظم اساس تعالیم الهیه</u> است "</p> <p>ص ۳۰</p> <p>نظریه :</p>		

تذکر : عناوین اصلی و فرعی را با مداد بنویسید زیرا در ترم آینده در تمرین های کلاسی مورد بررسی قرار گرفته و سقم آن مشخص می شود .

عنوان اصلی : اهمیت و ضرورت	نام کتاب : مجموعه نصوص	مستقیم
عنوان فرعی : ضرورت	شماره فیش ۳	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
<p>حضرت عبدالبهاء می فرمایند :</p> <p>" ... پس باید امهات اطفال شیر خوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند "</p> <p>ص ۳۰</p> <p>نظریه :</p>		

عنوان اصلی : مقام و منزلت	نام کتاب : مجموعه نصوص	مستقیم
عنوان فرعی : تعالیم الهیه	شماره فیش ۲	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
<p>حضرت عبدالبهاء می فرمایند :</p> <p>" ... پس باید امهات اطفال شیر خوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند "</p> <p>ص ۳۰</p> <p>نظریه :</p>		

عنوان اصلی : اصل اساس	نام کتاب : مجموعه نصوص	مستقیم
عنوان فرعی : تربیت از صغر سن	شماره فیش ۵	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
<p>حضرت عبدالبهاء می فرمایند :</p> <p>" ... پس باید امهات اطفال شیر خوار را در مهد اخلاق تربیت نمایند "</p> <p>ص ۳۰</p> <p>نظریه :</p>		

عنوان اصلی : محتوای تربیت	نام کتاب : مجموعه نصوص	مستقیم
عنوان فرعی : اخلاق	شماره فیش ۶	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
<p>حضرت عبدالبهاء می فرمایند :</p> <p>"از جمله محافظ دین الله ، تربیت اطفال است که از اعظم اساس تعالیم الهیه است "</p> <p>ص ۳۰</p> <p>نظریه :</p>		

عنوان اصلی : اصل اساسی	نام کتاب : مجموعه نصوص	مستقیم
عنوان فرعی : اول مربی بودن مادر	شماره فیش ۷	تلخیص
	نوع یاد داشت	ترجمه
حضرت عبدالبهاء می فرمایند :		
" ... زیرا اول مربی امهاتند "		
ص ۳۰		
نظریه :		

تکلیف اول :

الف : بیان مبارک حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحات ۳۰ و ۳۱ کتاب مجموعه نصوص درباره تعلیم و تربیت بهایی (از جمله محافظ دین الله ... تا جائز نه) و از (بازی مقصود ... تا تربیت لازم) را به دقت مطالعه سپس :

۱- اطلاعات موجود را با نقل عین عبارت ، در گیومه قرار دهید ، شُر گیومه باید شامل جمله ای که در آن حداقل یک اطلاع وجود دارد باشد که زیر آن خط کشیده شده و ذکر برفحه و مأخذ در ذیل هر جمله از بیانات مبارکه الزامی است

۲- در این مرحله اطلاعاتی را که در قسمت (۱) جمع آوری نموده اید طبقه بندی نمایند یعنی عباراتی را که مفهوم مشترک دارند را تحت یک عنوان مشترک از ۷ عنوان اصلی قرار دهید .

ب : انجام فیش برناری طبق نمونه از ابتدای کتاب تا اص ۳۰ که حداقل باید ۳۰ عدد فیش متنوع از ۷ موضوع اصلی تهیه نمایند .

تکلیف دوم :

الف : بیان مبارک در انتهای صفحه ۶۳ از مجموعه نصوص تربیتی " زیرا! در خصوص تربیت اطفال ... تا مذموم گردند " را به دقت مطالعه نموده و سپس :

۱- مضامین کُرچک حقیقت فوق را به فقرات دقیقه با قوانین مربوطه تبدیل کنید .

۲- برای هر یک از فقرات دقیقه عنوان مناسب (از ۷ عنوان اصلی) بنویسید .

۳- در خصوص دو فقره ذیل :

برای هر فقره نشانه زوج موضوعی ها را نوشته ، رابطه ها را کشف و جهت خطوط را معلوم کنید سپس برای هر فقره دقیقه نمودار روابط مواضع ترسیم کنید .

" ... شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمن و محبت بر آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسیس یابند ... "

" ... مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی ببیند ، ستایش کند و تحسین نماید و تسریع خاطر طفل کند ... "

ب : انجام فیش برداری قسمت مربوط به ماه دوم از مجموعه نصوص تربیتی از صفحه ۳ الی ص ۵۵ ، ۳۰ عدد فیش متنوع از همه عنوان های اصل طبق نمونه تهیه شود .

تکلیف سوم :

الف : در سه فقره دقیقه ذیل :

" ... تا آن که هر کودکی از بدو حیات ... از رانحه هدایت الله به اهتزاز آید "

" ... تا اطفال عالم فانی را آئینه جهان نمای جهان جلودانی کنند " ص ۶۰

" ... این امر (تعلیم و تربیت اطفال) ... قوا و استعدادشان را در مجاری مفید و پر ارزش معطوف می دارد " ص ۹۴

۱- نمودار روابط مواضع هر فقره دقیقه را ترسیم کنید .

۲- نمودار ترکیبی با توجه به موضوع مشترک " نتایج و مقاصد و اهداف تعلیم و تربیت بهایی " برسیم کنید .

۳- نظام عرضه اطلاعات را مشخص کنید .

۴- با توجه به نظام عرضه اطلاعات نمودار مشترک را تبیین سیستمی کنید .

ب : فیش برداری مطالب ماه سوم از کتاب مجموعه نصوص تربیتی از ص ۵۵ تا ص ۸۰ ، ۳۰ عدد فیش متنوع از همه عنوان های اصلی طبق نمونه .

تکلیف چهارم :

الف : مقاله دکتر علیمراد داودی را به دقت مطالعه کنید سپس اصول اساسیه موظفین و محتواها و روشهای تربیتی تعلیم و تربیت بهایی را استخراج کنید . با توجه به موضوعات مستخرجه مقاله ای حداقل یک صفحه و حداکثر سه صفحه A4 بنویسید .

فیش برداری از قسمت مربوطه به ماه چهارم از مجموعه نصوص تربیتی از ص ۸۰ تا آخر جزوه تعداد ۳۰ عدد فیش متنوع از عنوانهای اصلی طبق نمونه .

نظام ارزشیابی :

ارزشیابی این درس طبق اهداف آموزشی و تمرین های کلاسی در مقطع میان ترم و پایان ترم انجام خواهد شد .

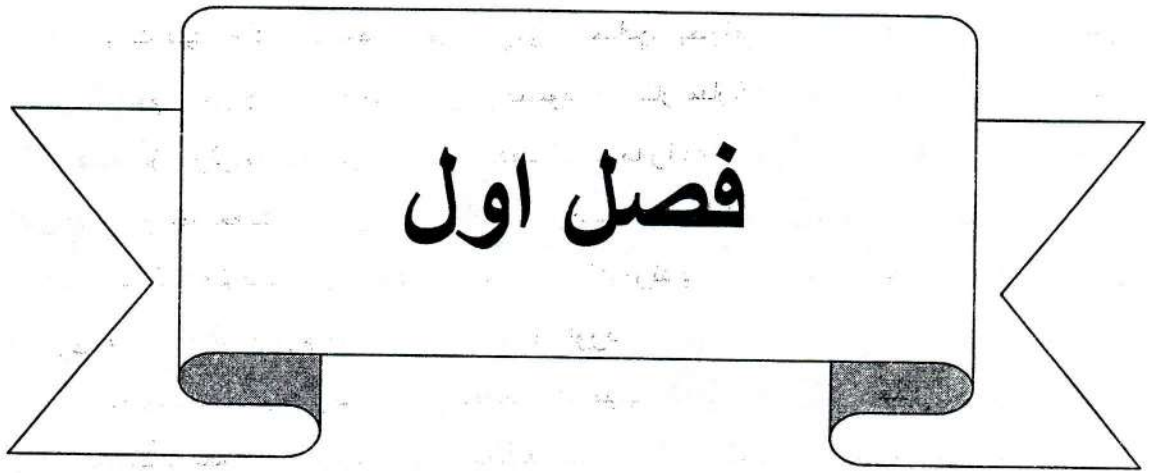
نمره آزمون میان ترم ۲۵
 نمره آزمون پایان ترم ۳۵
 تکلیف ۲۰ (۴ تکلیف ۵ نمره ای)
 نمره کلاس حضوری ۲۰ (۵ مرتبه حضور در کلاسها ۴ نمره دارد . ۲ نمره به حضور در کلاس تعلق دارد و ۲ نمره به نحوه فعالیت دانشجو در کلاس تعلق می گیرد)

۱۰۰ نمره

تذکر : آزمون پایان ترم از کلیه مطالب جزوه و مجموعه نصوص تربیتی از ابتدا تا انتها خواهد بود .
 منابع درسی : ۲ منبع کتاب " مجموعه نصوص مبارکه درباره تعلیم و تربیت بهایی " و جزوه روش تفکر تحلیلی . ترکیبی در این ترم توأمان مطالعه می گردد .

جدول زمانبندی مطالعه دروس

ماه	موضوع مورد مطالعه	تحویل تکلیف
اول	کتاب مجموعه نصوص درباره تعلیم و تربیت بهایی تا ص ۳۱ جزوه تا قسمت دوم از فصل دوم (نحوه کشف روابط مواضع و ترم نمودار روابط مواضع)	-----
دوم	کتاب مجموعه نصوص تا ص ۵۵ جزوه تا ابتدای قسمت سوم (نمودار ترکیبی)	حضوری اول تکلیف اول
سوم	کتاب مجموعه نصوص تا ص ۸۰ جزوه تا ابتدای فصل سوم	حضوری سوم تکلیف دوم
امتحان	میان ترم	
چهارم	کتاب مجموعه نصوص تا ص ۱۱۰ آخر کتاب . جزوه تا آخر فصل سوم	حضوری چهارم تکلیف سوم
پنجم	کتاب : دوره جزوه : دوره	حضوری پنجم تکلیف چهارم
امتحان	پایان ترم	



فصل اول

معرفی روش تفکر تحلیلی - ترکیبی

حضرت ولی عزیز امرالله می فرماید :

" هرگاه بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را با کمال خلوص و دقت مطالعه کنید و در آن تعمق نمایند بر حقایق پی خواهید برد که تا آن وقت بر شما مجهول بوده و بصیرت شما نسبت به مسائلی که متفکرین جهان را به حیرت و پریشانی مبتلا ساخته روشن خواهد شد ."

نمونه حیات بهایی ص ۷

بنا بر این بیان مبارک کشف حقایق مندمج در آثار مبارکه مستلزم مطالعه دقیق آنها است مطالعه ای که باید به کمال خلوص صورت پذیرد . چنانچه بخواهیم تعلیم و تربیت را از منظر امر بهایی بشناسیم راهی جز مطالعه و تدقیق در نصوص و آثار مبارکه وجود ندارد . برای نیل به این مقصود باید از روش مطالعه ای مناسب استفاده نماییم تا ما را به این مهم رهنمون سازد . یکی از روش های مؤثر در مطالعه دقیق روش تفکر تحلیلی - ترکیبی است . این روش مبتنی بر دو جریان تجزیه و ترکیب است که به ترتیب از پی هم می آیند و مکمل یکدیگرند به عبارت دیگر هیچکدام از این دو بدون دیگری نمی تواند شناختی جامع و صحیح به وجود آورد .

در یک نگاه اجمالی به سیر تاریخ علوم در میابیم که پس از ظهور انقلاب صنعتی و شدت یافتن تحقیقات علمی در عرصه های مختلف با بکارگیری اسباب و لوازم جدید در مطالعات آزمایشگاهی توجه دانشمندان بیش از پیش جزئیات مسائل معطوف گردید به این ترتیب برای شناخت و کشف هر حقیقی سعی می شد تا آن موضوع (کل) به اجزاء تشکیل دهنده تجزیه شود تا از طریق شناخت دقیق اجزاء شناخت مطلب کلی حاصل شود (قیاس در منطق) . کاربرد این روش که سال های سال وجهه همت محققین و اندیشمندان قرار گرفت منجر به بسط و گسترش دایره علوم گردید برای مثال در این دوران بود که مولکول به عنوان کوچکترین واحد سازنده اجسام شناخته شد ، پس از مدتی اجزاء درونی مولکول یعنی اتم ها کشف گردیدند ، به همین ترتیب بشر توانست دل اتم را نیز بشکافد و اجزاء درونی آن یعنی هسته پروتون ، الکترون و نوترون را کشف کند در جریان توسعه و پیشرفت علوم با توجه به این دینگاه جزء نگر تخصص ها و فوق تخصص های متعدد پا در عرصه شهود نهاد و تحولی بزرگ در تاریخ علوم صورت پذیرفت . اما سیر تکاملی تحقیقات علمی در این مرحله خاتمه نمی یابد بلکه سال ها پس از تمرکز همه جانبه بر روش تجزیه و تحلیل دیدگاه جدیدی مبنی بر ضرورت ترکیب مجدد اجزا مطرح گردید . (استقراء در منطق) گروهی از دانشمندان - پیروان نظریه گشتالت - اظهار نظر نمودند که همواره کل چیزی بیش از مجموع اجزا تشکیل دهنده آن است یعنی اینکه برای شناخت دنیای پیرامون کافی نیست که فقط آن را به عناصر تشکیل دهنده تجزیه نماییم بلکه کشف روابط و پیوندهای موجود در بین این عناصر نیز در همان اندازه حائز اهمیت بوده

ضرورت دارد بطوری که می توان گفت تا همه عناصر را در پیوند با هم ملاحظه نکنیم ، روابط بین آنها را تشخیص ندهیم و در نهایت کلیت مجموعه را در ارتباط با هم مطالعه نکنیم شناخت جامع و کاملی به دست نمی آوریم . لذا در یک بررسی همه جانبه در کنار دیدگاه جزء نگری نگرش کل نگر نیز باید مورد نظر باشد .

برای مثال وقتی از ما می پرسند جنگل چیست ؟ آیا می توانیم بگوئیم جنگل جایی است که در آن گیاه X می روید یا خاکش فلان ویژگی را دارد ؟ یا هوای آن چنین است ؟ و یا ... اگر چه شناخت صحیح جنگل مستلزم شناخت هر یک از این عناصر است ولی جنگل هیچیک از آنها به تنهایی نیست بلکه شامل کلیه این عناصر ایست که در هم تأثیر و تأثر متقابل دارند لذا برای شناخت جنگل هم باید همه اجزاء را با دیدی جزء نگر مورد مطالعه دقیق قرار داد و پس از آن باید کل مجموعه را با هم به صورت یک سیستم واحد ملاحظه نمود (دیدی کل نگر) و سپس اظهار نظر نمود که جنگل چگونه محلی است .

وقتی صحبت از کل اجزاء و روابط فی مابین در میان است به این معنی است که با یک سیستم یا نظام مواجهیم . در یک سیستم عوامل متعدد وجود دارند که هر کدام به انجام وظیفه خاص خود اشتغال دارند در حالیکه در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند و نکته قابل توجه دیگر آن که عوامل دارای هدفی مشترک هستند که در واقع جهت جامعه همه عملکر ها و فعالیت های گوناگون در داخل سیستم است .

برای مثال ساعت را به عنوان یک سیستم مصنوع دست انسان در نظر بگیریم . در ساعت اجزا بسیار متعدد ریز و درشتی وجود دارد که هر کدام در جایگاه خود نقش و وظیفه خود را انجام می دهند اما کیفیت و چگونگی عملکرد هر جزء در سایر اجزاء تأثیر دارد فی المثل اگر یکی از چرخ دنده ها کندتر از حد معمولی بچرخد این کندی حرکت به سایر چرخ دنده ها منتقل می گردد و برعکس به این ترتیب چنانچه همه عوامل در موقف خود نقش خود را به خوبی ایفا نمایند مقصد و هدف مشترک آنها یعنی تعیین وقت صحیح محقق می گردد . بدین ترتیب چنانچه قصد آن داشته باشیم که با نگرشی سیستمی موضوعی را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهیم ضرورتاً باید هم اجزاء را در تفرد و تجرد آنها مورد ملاحظه قرار دهیم و هم به صورت اجتماعشان با سایر عناصر . به این ترتیب شناختی همه جانبه و صحیح حاصل می شود .

ضرورت تعمق و تفکر در بیانات مبارکه بر هیچ یک از عزیزان پوشیده نیست چنانچه در ابتدای فصل مذکور گردید حضرت ولی عزیز امرالله نتایج چنین مطالعه عمیقی را پی بردن به حقایق مجهولی می دانند که سبب بصیرت بیشتر نسبت به مسائلی می شود که متفکرین جهان را دچار حیرت و پریشانی نموده است . همچنین حضرت بهاءالله می فرماید :

" ای صاحبان ذائقه ... در بیانات رحمانی تفکر نمائید و به بصر جدید در آن نظر کنید تا شاید به رشی از بحر معنای که در بیان مستور است فائز شوید ... "

حصول چنین مقصود ارجمندی مستلزم بکارگیری روش مطالعه مناسب است چنانچه در انوار هدایت مذکور :

" ... تفکر و تعمق بسیار مهم و اساسی است و حضرت ولی امرالله دلیلی نمی بینند که احبای الهی در این مورد آموزش داده نشود ... " (فقره ۱۴۸۴)

با توجه به هدایات صریح حضرت ولی امرالله از آنجا که مطالب دروس امری جمنگی مبتنی بر مطالعه آثار و نصوص مبارکه است آموزش روشی مناسب برای مطالعه دقیق بیانات مبارکه ضرورتی قطعی دارد . از بیان روشهای مختلف روش روش تفکر تحلیلی - ترکیبی را که مبتنی بر نگرش سیستمی است برگزیدیم تا از طریق فراگیری آن و کسب مهارت در این فن مطالعه موفق بر استخراج حقایق بیشتری از دل آثار مبارکه گردیم اگر چه کشف همه اسرار و رموز الهی میسر نیست اما " آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید " همچنین جمال مبارک در لوح احمد فارسی می فرمایند :

" ... ای بندگان مثل ظهور قدس احدیتم مثل بحریت که در قعر آن لنالی لطیفه منیره ازید از احصاء مستور باشد و هر طالبی البته باید کمر جهدو طلب بسته بر شاطی آن بحر در اید تا قسمت مقدره درالواح محتومه مکنونه را علی الاقدر طلبه و جهده اخذ نماید ... "

برای مطالعه آثار به روش تفکر تحلیلی - ترکیبی در ابتدا بیان مورد نظر را چند مرتبه به دقت می خوانیم به طوری که معنا و مفهوم تک تک کلمات آن درک شود . سپس اطلاعات و مفاهیم مختلف را از بیان مورد نظر استخراج می کنیم تا هر یک به تنهایی مورد ملاحظه و بررسی قرار گیرد برای مثال معنای دقیق معنوی آن مشخص گردد ، نقش آن کلمه از نظر دستوری تعیین گردد و ... پس از این مرحله تجزیه به تشخیص روابط موجود بین این اطلاعات می پردازیم . در حین یافتن پیوندهای موجود و یا انواع روابط ممکن درک و استنباط شخصی خود را نیز بدان می افزائیم و در قالبی جدید و منحصر به فرد مجموعه دریافتهایم و اطلاعات موجود را به زبان خود بیان می نماییم (ترکیب) بدیهی است که درک و استنباط افراد متفاوت است زیرا اساساً درک مبتنی بر تجارب و آموخته های قبلی است . از آنجا که هر یک از ما در تجارب و آموخته های قبلی با هم تفاوت داریم نوع و میزان درک ما از یک بیان واحد می تواند تا حدی مختلف باشد . آنچه در این روش باید مورد توجه خاص قرار گیرد پایبندی با ساختار جملات و نوع کلمات و روابط دستوری حاکم بر آنها در عین بیان مبارک است . این ساختار مشخص و معنی کلمات عامل وحدت بخشی است که این استنباطهای مختلف را در چهارچوبی مشخص حفظ می نماید .

در این شیوه مطالعه ابتدا با دیدی جزء نگر همه اجزاء و کلمات را مورد بررسی قرار می دهیم سپس روابط موجود را تعیین می نمائیم و در نهایت با استمداد از درک و استنباط خود ، فهم خود را از بیان مبارک بیان می نمائیم . (تبیین) این بیان مجدد بسیار متفاوت از بیانی است که می توان قبل از این مراحل انجام داد . تبیین پس از تحلیل محصول دو جریان پی در پی تحلیل و ترکیب است که دریافتهای فردی را نیز توامان مطرح می نماید . چگونگی و کیفیت برقرار نمودن پیوند بین مطالب ، تعیین اولویت برای بیان آنها ، تفاوتها در استنباط و ... همه و همه تبیین هر فرد را متمایز از دیگری می سازد .

در آخر قصد داریم به یک سوال ذهنی که ممکن است به خاطر برخی دانشجویان عزیز متبادر گردد پاسخ دهیم و پس از آن وارد عمل شده با مراحل اجرایی این شیوه و مطالعه آشنا می شویم . ممکن است این سوال برای شما مطرح باشد که آیا برای مطالعه دقیق و موثر آثار کافی نیست که فقط بیان مبارک را به دقت مطالعه کرده مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم ؟ استنباط فردی ما که چه بسا ممکن است ناقص یا اشتباه هم باشد چه لزومی دارد ؟ مگر حق تبیین و تفسیر آثار اختصاص به دو نفس مقدس حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله ندارد ؟ و یا پرسش هایی از این قبیل .

در اینجا توجه شما را به قسمتی از یکی از پیامهای معهد اعلی جلب می نمائیم که می فرمایند: ".... مورد دوم که استنباطات شخصی باشد به فرموده حضرت ولی امرالله به هیچ عنوان نباید ممانعت شود زیرا فی الحقیقه تعبیرات فردی ثمره قوه عقلانی انسانی بوده موجب درک بیشتر و بهتری از تعالیم الهیه است مشروط بر آن که از این رهگذر هیچگونه اختلاف و مناقشه ای بین یاران حاصل نشود و هر کس بفهمد و بالصراحه روشن سازد که نظرات و عقایدش صرفاً جنبه شخصی دارد "

(پیام مورخ می / ۱۹۶۶)

بنابراین هدایت صریح و روشن ساحت رفیع استنباط شخصی نه تنها به هیچ عنوان نباید ممانعت شود بلکه چون استنباط فردی و ثمره قوه عقلانی انسانی است و باعث درک بیشتر و بهتری از تعالیم الهیه می شود امری است ضروری و اجتناب ناپذیر .

حضرت عبدالبهاء در تعریف علم می فرمایند : " علم عبارت است از کشف روابط ضروریه منبعث از حقائق اشیاء " لذا اصل و جوهر آگاهی در کشف روابط است و در چنین جریانی است که خلاقیت های افراد بکار گرفته می شود قوای عقلانی میدانی برای جوانان می یابد و هر فرد مجال آن پیدا می کند که آنچه دارد بنماید . در این مرحله است که می توانیم از اطلاعات مشخص و ظاهری که در سطح کلام موجود است و به عنوان وسیله ای برای کشف روابط عمیقتر و حقایق مکنون استفاده نمائیم تا شاید به رشحی از بحر معانی که در بیان مستور است فائز شویم .

در کلام آخر این فصل از شما دانشجویان عزیز استدعا داریم تا از همین اولین قدم با ما همراه و هم‌نم شوید و برای فراگیری و کاربرد هر چه بهتر این روش که در واقع شیوه مطالعه کلیه دروس امری در دوره پیش دبستانی است کوشش نمائید. این شیوه روشی است که بسیاری از شما از قبل نیز آن را به‌کار برده‌اید فقط ممکن است مراحل آن را نام‌گذاری و مشخص نکرده باشید زیرا این روش یک جریان دمی و منظم منطقی است که به مدد قوای عقلانی صورت می‌پذیرد چنانچه حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: "تأویل مطابق عقل و علم و حکمت است... امیدم چنان است که جمیع این مسائل را به تأیید، تأویلش را کشف بفرمائید..." (مکاتیب ج ۳ ص ۳۸۰)

امیدوارم شما همراهان بیش از پیش در این امر موفق باشید و هر چه بیشتر لذت و حلاوت کشف حقایق مندمج در را بچشید و لمس نمائید. این حظ موفور ضامن تداوم بکارگیری این روش نه تنها در این سلسله بلکه در سایر مطالعات شما عزیزان خواهد بود.

فصل دوم : قسمت اول مراحل ابتدایی روش تفکر تحلیلی - ترکیبی

برای مطالعه و فهم دقیق هر مطلبی اعم از یک کتاب ، یک لوح و یا هر نوشته ای ناچاریم آن را به قسمت های کوتاه که به راحتی قابل بررسی باشند تقسیم کنیم برای مثال چنانچه بخواهیم کتابی را مورد مطالعه قرار دهیم پس از یک نگاه سریع و کلی به تمامی فصول قطعاً نمی توانیم .

پس ابتدا باید لزوماً هر فصل را به دقت مطالعه کنیم یعنی در هر فصل کتاب به پاراگرافهای کوتاه توجه نموده و در هر پاراگراف به جملات کوتاه دقت نمائیم و در هر جمله تک تک کلمات و اصلاحات را بررسی کنیم . سپس می توانیم ادعا کنیم که این فصل از کتاب را به دقت مطالعه نموده ایم و از آن پس قادر خواهیم بود درباره مطالب آن برای دیگران توضیح دهیم و یا آن مطالب را در سخنرانی و یا مقاله خود بکار بریم یعنی به زبان خود آن را بازگو نمائیم .

در روش تفکر تحلیلی - ترکیبی مناسب ترین حجمی که برای تعمق در نظر گرفته می شود پاراگراف است که به طور متوسط ۴۵ واژه داشته باشد و آن را فضای کوچک حقیقت می نامیم . بدیهی است در هر پاراگراف موضوعات مختلف وجود دارد که بدون تسلیم آن به جملات کوتاه ، توجه به کلیه ظرائف و دقایق آن غیر ممکن و یا بسیار مشکل است . این جملات کوتاه که حداقل یک اطلاع دارند را فقره نقیقه می نامیم .

ذیلاً مراحل ابتدایی روش تفکر تحلیلی - ترکیبی به ترتیب معرفی می گردند :

۱- اولین مرحله در انجام این روش تقسیم مطلب (لوح ، نصوص مبارکه و ...) به بیانات کوتاه است

۲- در مرحله دوم بیان مورد نظر تا حد ممکن به جملات کوتاه کامل و قابل فهم و غیر مبهم تقسیم می شوند . به این ترتیب هر جمله باید دارای فعل باشد و مرجع ضمائر و اسماء اشاره در داخل پیرائت معلوم شوند تا جمله از ابهام خارج گردد .

۳- در این مرحله موضوع یا موضوعات اصلی موجود در جمله مورد توجه و دقت قرار می گیرد ممکن است در یک جمله چند موضوع یا اطلاع وجود داشته باشند ، بسته به اینکه کدام موضوع مورد توجه و بررسی ما است و یا کدام موضوع واضح تر یا محوری تر است به آن می پردازیم . برای یافتن موضوع محوری می توانیم سئوالاتی مطرح کنیم فی المثل از خود می پرسیم موضوع اصلی این جمله چیست ؟ آیا عمل و وظیفه ای در بیان مبارک مد نظر است ؟ آیا کیفیت انجام عمل در جمله مطرح شده است ؟ آیا وظیفه ای در بیان مبارک به فردی محول شده و یا نتایج و اهدافی مورد توجه قرار گرفته است و ... و به این ترتیب با طرح سئوالات مناسب به موضوع اصلی و موضوعات دیگر در بیان مبارک پی می بریم مثال : در بیان مبارک زیر

" ... تا هر (طفلی) مصدر کمالات و مروج فضائل عالم انسانی گردد ... "

موضوع محوری می تواند نتیجه و مقصد تعلیم و تربیت بهائی باشد .

" ... به پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همت تعلیم و تربیت نمایند ... "

در بیان فوق موضوع محوری می تواند موظفین تعلیم و تربیت باشد .

۴- چنانچه قسمتی از جمله ای برای پرهیز از تکرار حذف نمائیم به جای آن سه نقطه قرار می

دهیم تا مشخص شود که این جمله دارای کلمات دیگری نیز بوده است .

۵- سپس ابتدا و انتهای جمله را در گیومه قرار داده و مرجع و مأخذ جمله را در زیر آن می نویسیم

و نیز یک لوح که حجم آن معادل یک فضای کوچک حقیقت است را در نظر گرفته مراحل

فوق الذکر را روی آن انجام می دهیم .

مثال : حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله الکریم :

" ای دو بنده آستان مقدس محافلی که از برای تعلیم و تربیت نورسیدگان ترتیب گردید مورث نهایت

روح و ریحان شده و هر نفسی ساعی در آن یا معلم طفلان یا مشوق کودکان است ، البته مظهر تأییدات

غیبیه حضرت یزدان گردد و مورد الطاف بی پایان شود لهذا با نهایت سرور تشویق بر این امر مشکور

می گردد تا مشاهده اجر موفور فرمائید و منتظر تأیید حتمی رب غفور باشید و علیکم البهاء الابهی ع ع "

ابتدا بیان مبارک را چندین مرتبه و با دقت زیارت می کنیم سپس آن را به جملات کوتاه کامل

که حداقل حاوی یک اطلاع باشد تقسیم می کنیم .

جملات تقسیم شده حداقل باید دارای ۵ واژه مستقل معنا دار باشند . حروف علائم زبانی بی

معنی هستند که به خودی خود موضوعی ندارند در حالیکه کلمات مرکب از حروف هستند . بنابراین

تعداد واژه ها مورد نظر است . حال از خود می پرسیم در لوح مبارک چه موضوع اصلی وجود دارد

؟ در یک نگاه کلی به نظر می رسد بیان مبارک در مورد تعلیم و تربیت کودکان مطرح شده است . در

بیان مبارک موظف و یا موظفین برای تعلیم و تربیت کودکان صریحاً ذکر شده است حضرت عبدالبهاء

معلم اطفال و یا هر نفسی که در تعلیم و تربیت اطفال ساعی است و یا هر فردی که تشویق کننده

کودکان است را از جمله موظفین تعلیم و تربیت کودکان منظور نموده اند .

همچنین در بیان مبارک نتایج حاصله از تشکیل محافلی جهت تعلیم و تربیت کودکان نیز ذکر

شده است . اینکه این محافل " مورث نهایت روح و ریحان (حضرت عبدالبهاء) شده است . اینکه

موظفین تعلیم و تربیت " البته مظهر تأییدات غیبیه حضرت یزدان " خواهند بود . اینکه موظفین تربیت

مورد الطاف بی پایان هستند و بالاخره اینکه مشاهده اجر موفور خواهند نمود و منتظر تأیید حتمی رب

غفور باشند همگی از نتایج و ثمرات تعلیم و تربیت است .

همچنین در بیان مبارک فوق اهمیت تعلیم و تربیت نیز نوعی مطرح شده زیرا حضرت عبدالبهاء موظفین را تشویق به این امر مشکور (تعلیم و تربیت کودکان) می نمایند. " حال به جملات کوتاه که از بیان مبارک حاصل شده است توجه نمایند :

۱- " ... محافلی که از برای تربیت و تعلیم نورسیدگان ترتیب گردید مورث نهایت روح و ریحان شد... " (نتایج تعلم و تربیت بهایی) مجموعه نصوص تربیتی ص ۳۶

۲- " ... هر نفسی ساعی در آن (تربیت و تعلیم نورسیدگان) یا ... البته مظهر تأییدات غیبیه حضرت یزدان گردد و مورد الطاف بی پایان شود ... " ص ۳۶ نتایج تعلیم و تربیت

۳- " ... هر نفسی ساعی در آن (تربیت و تعلیم نورسیدگان) ... مظهر تأییدات غیبیه حضرت یزدان گردد و مورد الطاف بی پایان شود ... " ص ۳۶ موظفین تعلیم و تربیت بهایی

۴- " ... هر نفسی یا معلم طفلان ... است البته مظهر تأییدات غیبیه حضرت یزدان گردد و مورد الطاف بی پایان شود ... " ص ۳۶ موظفین تعلیم و تربیت بهایی

۵- " ... با نهایت سرور تشویق بر این امر مشکور (تربیت و تعلیم نورسیدگان) می گردد ... " ص ۳۶ (اهمیت تربیت بهایی)

۶- " ... با نهایت سرور تشویق بر این امر مشکور (تربیت و تعلیم نورسیدگان) می گردد تا مشاهده اجر موفور فرمائید ... " ص ۳۶ نتایج تعلیم و تربیت بهایی

۷- " ... با نهایت سرور تشویق بر این امر مشکور (تربیت و تعلیم نورسیدگان) می گردد تا مشاهده اجر موفور فرمائید و منتظر تأیید رب غفور باشید ... " ص ۳۶ نتایج تعلیم و تربیت بهایی

ملاحظه نمودید که در یک متن کوتاه چندین موضوع مهم و اساسی ذکر شده است که با توجه به جمله های کوتاه به آنها پی بردیم .

پس از مطالعه و بررسی مجموعه نصوص مبارکه در خصوص تعلیم و تربیت ۷ موضوع اصلی و محوری در تعلیم و تربیت تشخیص داده شد به این معنی که هر بیانی می تواند ذیل یکی از این ۷ طبقه قرار گیرد . این موضوعات اصلی عبارتند از :

- ۱- مقام و منزلت تعلیم و تربیت بهایی
- ۲- اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت بهایی
- ۳- اصول اساسیه تعلیم و تربیت بهایی
- ۴- موظفین تعلیم و تربیت بهایی
- ۵- مواد و محتوای تعلیم و تربیت بهایی
- ۶- اهداف و مقاصد و نتایج تعلیم و تربیت بهایی
- ۷- روشهای مصرحه در تعلیم و تربیت بهایی

تمرین در کلاس شماره ۱ بیان مبارک زیر را به جملات کوتاه که حداقل حاوی یک اطلاع باشد تقسیم کنید . سپس زیر موضوع اصلی خط بکشید . چنانچه در این مطلب چند موضوع اصلی مطرح شده است به تعداد این موضوعات اصلی جمله را نوشته هر بار زیر قسمت مورد نظر خط بکشید و عنوان مناسب بنویسید :

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

"... شماها که معلمید باید بیشتر از تعلیم به تربیت پردازید تا بنات را به عصمت و عفت و حسن اخلاق و آداب پرورش دهید و تعلیم عمومی نمائید ، اگر چنین مجری گردد تأییدات ملکوت ابهی در اوج آن آستان موج زند ... " ص ۵۹

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰

تمرین در کلاس شماره ۲ :

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند :

"... در خصوص تربیت اطفال امهات باید نهایت اهمیت بدهند و همت بگمارند زیرا شاخه تا تازه و تر است هر نوع تربیت نمائی تربیت شود پس امهات باید طفلان خردسال را مانند نونهالانی که باغبان می‌پرورد پرورش دهند شب و روز بکوشند که در اطفال ایمان و ایقان و خشیت رحمن و محبت بر آفاق و فضائل اخلاق و حسن صفات تأسیس یابد . مادر اگر از طفل حرکت ممدوحی ببیند ستایش کند و تحسین و تسریر خاطر طفل کند و اگر ادنی حرکت بی قاعده‌ای صدور یابد طفل را نصیحت کند و عتاب ننماید و به وسائط معقوله حتی زجر لسانی جزئی اگر لازم باشد مجری دارد ولی ضرب و شتم ابدأ جائز نیست به کلی اخلاق اطفال از ضرب و شتم مزوم گردند ." (مجموعه نصوص تربیتی ص ۶۳ و ۶۴)

-۱

-۲

-۳

-۴

-۵

-۶

-۷

-۸

-۹

-۱۰

-۱۱

-۱۲

عناوین فقرات دقیقه که از بیانات استخراج نمودید را در جدول زیر بنویسید و پیدا کنید چه تعداد فقرات
عناوین مشترک داشتند.

وجوه مختلف تعلیم و تربیت بهائی						
مقام و منزلت	مقاصد و نتایج	اصول اساسی	ضرورت و اهمیت	موظفین و مسئولین	روشهای مصرحه	مواد و محتوی

قسمت دوم :

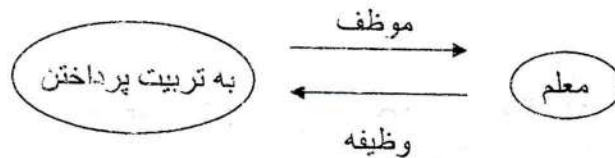
نحوه کشف روابط مواضع و ترسیم نمودار روابط مواضع

پس از اینکه با انجام تمرین های کافی در تبدیل بیانات مبارکه به جملات کوتاه (فقرات دقیقه) و یافتن عنوان اصلی و سایر اطلاعات به توجه به ۷ موضوع اصلی مهارت یافتیم اینک مرحله بعدی از انجام روش تفکر تحلیل - ترکیبی یعنی نحوه کشف روابط مواضع را آغاز می کنیم .

می دانیم که هر کلمه مستقل به خودی خود دارای معنا و مفهومی خاص است بنابراین هر یک از کلمات را موضوع می نامیم . در یک جمله هر کلمه یا موضوعی با سایر موضوعات یا کلمات بطور مستقیم و یا غیر مستقیم اطلاعات درجه اول هستند و روابط غیر مستقیم که به واسطه اطلاع دیگری معنا می یابد اطلاعات درجه دوم و سوم هستند . در این تلاش می خواهیم روابط هر کلمه (موضوع) را با کلمات دیگر پیدا کنیم که به آن کشف روابط مواضع می گوئیم .

هر دو کلمه ای (موضوعی) که در یک بیان دارای رابطه مستقیم هستند را زوج موضوعی می نامیم

مثال : " شماها که معلمید باید بیشتر از تعلیم به تربیت پردازید ... "



زوج موضوعی فوق را به این شکل می خوانیم

موظف ه تربیت پرداختن معلم است و یا

وظیفه معلم به تربیت پرداختن است

در اینجا رابطه بین دو موضوع یعنی معلم و به تربیت پرداختن کلمه وظیفه و یا موظف است پس بین دو زوج موضوعی همواره دو رابطه برقرار است که معکوس یکدیگر هستند .

به عبارت دیگر از این مرحله به بعد آنچه مورد توجه و تعمق قرار می گیرد جملات کوتاه و یا فقرات دقیقه ای از بیانات مبارکه است . بنا بر آنچه گفته شد موضوع عبارت است از مقصود و منظور کلمات و موضوع شناسی عبارت است از تمرکز ذهن در جهت شناخت مقصد و هدف هر کلمه . در این فرایند مهم ذهن از محدوده شکل و صدای کلمه عبور می کند و به معنا و مفهوم کلمه یعنی همان موضوع آن می رسد . چه بسا که ذهن انسان صرفاً به صدا و شکل منفرد کلمات و یا جملات مشغول می شود و تصور می کند که مفهوم باطنی آن توجه کرده است . احتراز از این خطا مستلزم تمرین و ممارست ذهنی است به همین دلیل ذهن را از ابتدا (سنین کودکی) نباید به روشهای مناسب متوجه مقصد و هدف و منظور کلمات نمود .

مثال :

" ... امهات ... اطفال خویش را به احسن آداب و اخلاق ، از صغر سن تربیت نمایند ... "

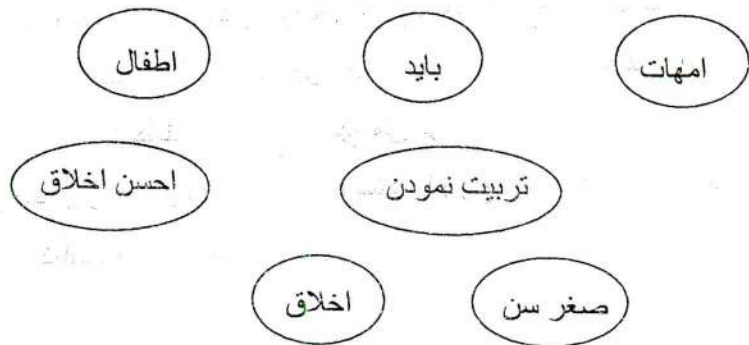
۱- در بیان مبارک کلمات معنا دار و مستقل (موضوعات) را جدا نموده و می نویسیم و حروف (را ،

از ، به ...) حذف می کنیم . افعال را به صورت مصدر می نویسیم :

امهات - اطفال (خویش) - احسن آداب - اخلاق - صغر سن - تربیت نمودن

۲- حال هر یک از کلمات را در داخل دایره هایی می نویسیم و سعی می کنیم با زیارت مجدد بیان

مبارک به کشف روابط فی ما بین موضوعات پردازیم .



۳- طرح سنوالات

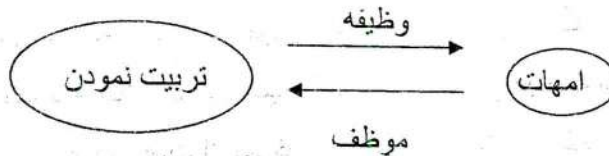
از خود می پرسیم حضرت عبدالبهاء چه عملی یا چه فعالی را مطرح نموده اند ؟ پاسخ عمل یا فعل

تربیت نمودن است

این عمل را از چه کسی خواسته اند ؟ و یا به عبارتی چه کسی را موظف این عمل دانسته اند ؟

پس بین دو موضوع امهات و تربیت نمودن رابطه ای برقرار است یعنی رابطه وظیفه داشتن یا موظف

بودن که زوج موضوعی فوق را می توانیم اینگونه ترسیم نموده و بخوانیم



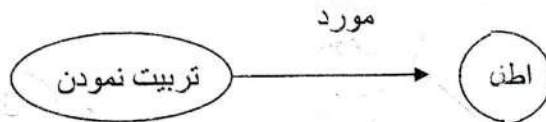
- وظیفه امهات تربیت نمودن است

- موظف تربیت نمودن امهات هستند .

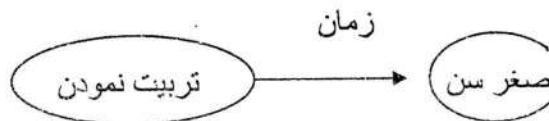
رابطه بین دو موضوع امهات و تربیت نمودن رابطه ای مستقیم است .

حال تلاش می کنیم تا بین سایر موضوعات رابطه های مستقیم دیگر را نیز کشف کنیم. معمولاً یافتن رابطه ها با فعل ذکر شده در جمله سریر و آسان تر است بنابراین رابطه موجود بین موضوعات و فعل " تربیت نمودن " را جستجو می کم .

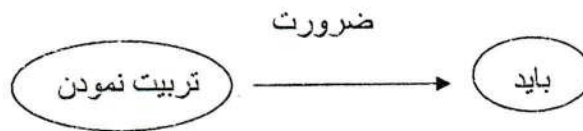
- چه کسی را باید تربیت نمود ؟ پاسد اطفال است . پس میان اطفال و تربیت نمودن رابطه مستقیم برقرار است



و با سئوالات دیگری از این قبلی می توان به کشف روابط موضوعات ادامه داد :
 - زمان تربیت نمودن چه زمانی است ؟ زمان تربیت نمودن صغیر سن ایت .



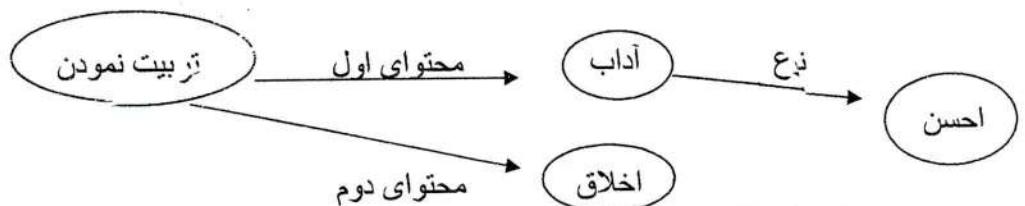
- ضرورت تربیت نمودن چیست ؟ ضرورت تربیت نمودن باید است .



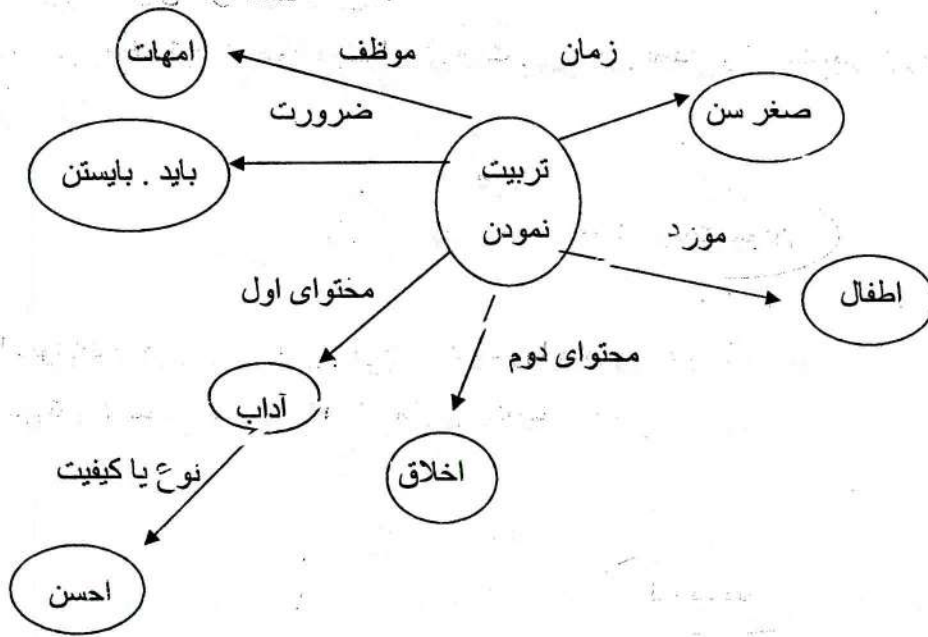
- محتوای تربیت نمودن چیست ؟ محتوای تربیت نمودن آداب است .

- محتوای تربیت نمودن چیست ؟ محتوای تربیت نمودن اخلاق است .

در اینجا به رابطه ای بر می خوریم که آن را رابطه غیر مستقیم و یا درجه دوم می گوئیم و آن رابطه بین دو موضوع آداب و احسن است زیرا محتوای تربیت نمودن آداب است اما چه نوع آدابی مورد نظر است . احسن آداب مورد نظر است بنابراین روح موضوعی فوق را به این شکل می نویسیم



حال هر یک از روابط فوق را به شکل نمودار روابط مواضع در کنار یکدیگر و کلی ترسیم می کنیم :



مراحل فوق تجزیه و یا تحلیل یک بیان بود و از این مرحله به بعد نحوه ترکیب نموده را تمرین خواهیم نمود .

حضرت بهاء الله می فرمایند :

" آباء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند ... "

در بیان فوق روابط مواضع را کشف نموده و نمودار آن را ترسیم کنید .

همانگونه که گفته شد مراحل انجام سده تجزیه و تحلیل یک فقره دقیقه از بیانات مبارکه بود . اگر این تجزیه و تحلیل به مرحله ترکیب نیانجامد ، بررسی و مطالعه و تعمق ناقص خواهد ماند . همانطور که در مثالهای فصل اول جزوه آموختیم ، درک عمیق از هر تجزیه و تحلیلی مستلزم ترکیب است . همانطور که برای شناخت دقیق یک جنگل باید اجزای آن را شناخت باید همه اجزاء جنگل را در ارتباط با یکدیگر و نگاهی وسیع و کلی به شکل ظاهری جنگل و با وسعت جنگل و یا انواع پوشش گیاهی آن نیز دید تا تصویر صحیحی از جنگل در ذهن شنونده و خواننده ایجاد شود .

مراحل ترکیب اجزاء یک فقره دقیقه

۱- در این مرحله باید تک تک اجزاء یا موضوعات فقره دقیقه را از ابتدا با توجه به معنا و مفهوم هر کلمه مورد توجه قرار دهیم (موضوع شناسی) برای این کار می توانیم درباره هر موضوع سنوالات چستی و کیستی مطرح نماییم که این سنوالات به طور خاص و مطلق فقط درباره یک موضوع مطرح می شود . فی المثل وقتی در یک فقره دقیقه کلمه یا موضوع امهات وجود دارد از خود می پرسیم : امهات چه کسانی هستند ؟

۲- پاسخ این سنوال بسته بر اینکه ما برابر چه کسی و به چه دلیلی و تا چه سطحی می خواهیم توضیح دهیم قابل تحقیق است و می تواند عمیق تر شود . ممکن است قصد داشته باشیم که درباره امهات در همین حد بدانیم که امهات افرادی هستند که فرزند را مدت ۹ ماه در بطن خود می پروراندند و نزدیکترین رابطه را با کودک دارند . این رابطه هم جسمانی است و هم رابطه عاطفی و هم روحانی . ممکن است بخواهیم درباره چگونگی این رابطه از نظر اثرات جسمانی و یا عاطفی و روحانی صحبت کنیم که قطعاً عمیقتر به موضوع می پردازیم . گاهی موضوع و یا معنای کلمه بسیار ساده و بدیهی است لذا ضرورتی ندارد که برای فهم انسان فی المثل به کتاب لغت مراجعه کنیم اما گاهی با کلماتی مواجه می شویم که معنای دقیق آن را نمی دانیم چون درک و فهم دقیق تر مراحل اولیه مستلزم اطلاع از معنای دقیق کلمه است لذا به کتاب لغت مراجعه می کنیم تا معنای لغوی آن اطلاع (کلمه - موضوع) را بیابیم و سپس بر اساس این معنای مفهومی نیز وجود دارد را کشف نماییم . برای مثال در بیان زیر :

" تعلیم ... عید آبق را ملیک فانق فرماید ... "

آبق یعنی : فراری و گریز پا و یا آبق کیست ؟ آبق فرد فراری و گریز پای است

فایق یعنی : غالب و مسلط و یا

فایق کیست ؟ فایق فرد غالب و مسلط است

عبد یعنی بنده و یا

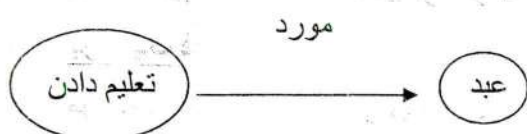
عبد کیست ؟ عبد بنده است

ملیک یعنی پادشاه و یا

ملیک کیست ؟ ملیک پادشاه است

با توجه به معنای لغوی می توان گفت که از جمله نتایج تعلیم و تربیت آن است که هر فرد ضعیف و (عبد) گریز پای به فرد توانمند (پادشاه) تبدیل می شود که غالب و چیره است و ... بنابراین از معنای کلمه پی به مفهوم کلی جمله بردیم . یعنی طرح سئوالات چپستی و یا کیستی مطلق برای درک دقیق ضرورت دارد .

۳- در مرحله بعد زوج های موضوعی دو به دو مورد توجه قرار می گیرند و سئوال دیگری مطرح می شود که درباره نسبت رابطه دو زوج موضوعی است .



سئوال چپستی یا کیستی نسبی :

عبد چه چیز تعلیم دادن است ؟ مورد تعلیم دادن است .

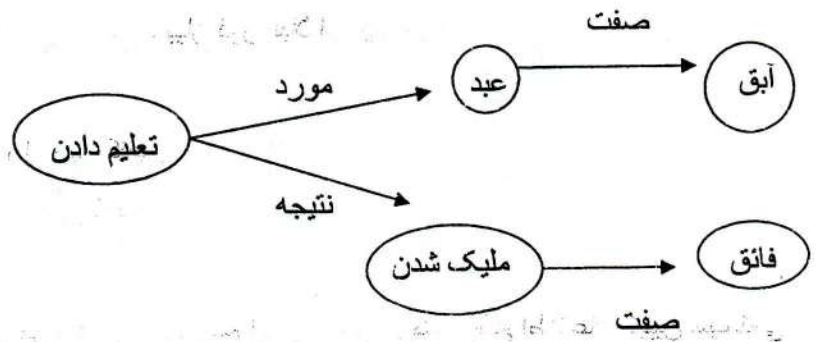
یعنی عبد چه نسبتی با تعلیم دادن دارد . عبد موردی است که تعلیم روی او و یا برای او انجام می شود . حال می توانیم با توجه به معنای عبد زوج موضوعی فوق را توضیح دهید .

عبد به معنای بنده است . بنده کسی است که فرمانبردار است و از خود هیچ اراده ای ندارد و باید همواره از فرد دیگری اطاعت کند حال به فرموده مبارک این عبد باید مورد تعلیم قرار گیرد یعنی آموزش ببیند و تربیت شود اگر عبد ← تعلیم داده شود یعنی کسب علم و دانش نماید آگاه می شود و فرد آگاه هرگز بدون اراده و فرمانبردار نخواهد بود .

توضیح فوق تبیین زوج موضوعی است ← در یک نمودار هر فرد می تواند به سلیقه و انتخاب خود از یک زوج موضوعی شروع و آن را توضیح دهد و تبیین نماید و سپس به ترتیب که می خواهد بقیه زوج های موضوعی ها و موضوعات درجه دوم را شرح و توضیح دهد و این مرحله نظام عرضه اطلاعات نام دارد . در واقع تبیین یک نمودار در کنار هم قرار دادن پاسخ سئوالات مطلق و نسبی است که به شکل و ترتیبی که هر فرد ممکن است انتخاب کند در کنار یکدیگر قرار می گیرد .

شیوه نگارش ، تجارب قبلی و اطلاعات نویسنده و یا گوینده متن نوشته و یا گفته او را از فرد دیگر متمایز می سازد بدین ترتیب یک جمله از بیانات مبارکه را با توجه به تک تک موضوعات و توجه به ارتباط موضوعات با یکدیگر می توان شفاهاً و یا کتباً توضیح داد و تبیین نمود که قطعاً بنا

بری دلایل فوق منحصر به فرد و متفاوت است . به این عمل اگر شفاهاً انجام شود تقریر سیستمی و اگر کتبی باشد تبیین سیستمی می گوئیم که در فصل بعد درباره انواع آن توضیح داده می شود . تبیین سیستمی و یا تقریر سیستمی ترکیب اجزاء تحلیل شده نمودار است .



تمرین در کلاس شماره ۴ نمودار فوق را تقریری سیستمی نمائید قبل از تبیین سیستمی برای تبیین اطلاعات نمودار ، نظام عرضه اطلاعات تعیین کنید .

تمرین در کلاس شماره ۵

الف : حضرت بهاءالله می فرماید :

" ... آیا باید کمال سعی را در تدین اولاد مبنول دارند ... "

مراحل تجزیه و ترکیب را به ترتیب در مورد بیان فوق قبلاً انجام داده اید .

در این قسمت :

۱- نظام عرض اطلاعات را تعیین کنید .

۲- به طور انفرادی تبیین سیستمی کنید .

ب : بیان مبارک زیر را پس از مراحل تجزیه (رسم نمودار) با عرضه نظام اطلاعات تبیین سیستمی

نمائید .

" ... شماها که معلمید باید بنات را به عصمت و عفت و حسن اخلاق و آداب پرورش دهید ... "

ص ۶۸

قسمت سوم

نمودار ترکیبی:

پس از اینکه در نحوه ترسیم نمودار روابط مواضع یک جمله یا فقره دقیقه ای از بیان مبارک مهارت کسب نمودیم می توانیم چند جمله یا فقره دقیقه را بر حسب موضوع مشترکشان با هم ترکیب کنیم .

به این منظور هر یک از فقرات دقیقه در ابتدا باید به شکل نمودار روابط مواضع نوشته شوند سپس موضوع مشترک بین فقرات دقیقه را یافته آن را به عنوان موضوع اصلی در نظر می گیریم و سایر اطلاعات موجود را حول آن می نویسیم . اگر همه اطلاعات چه درجه اول و دوم و سوم ... در نمودار نوشته شود آن نمودار ترکیبی است . در صورتی فقط اطلاعات درجه اول حول موضوع مشترک نوشته و سایر اطلاعات حذف شود به آن دیاگرام دایره ای می گوئیم .

مثال :

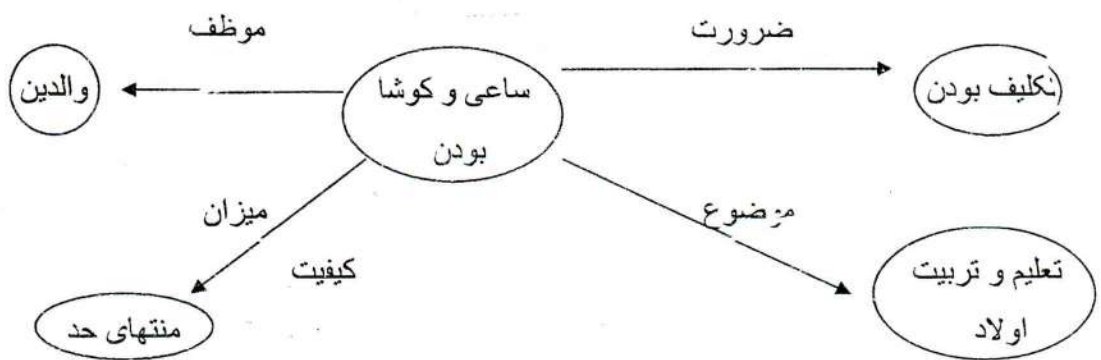
" ... تکلیف والدین چنان است که در تعلیم و تربیت اولاد به منتهای حد ساعی و کوشا باشند ... "

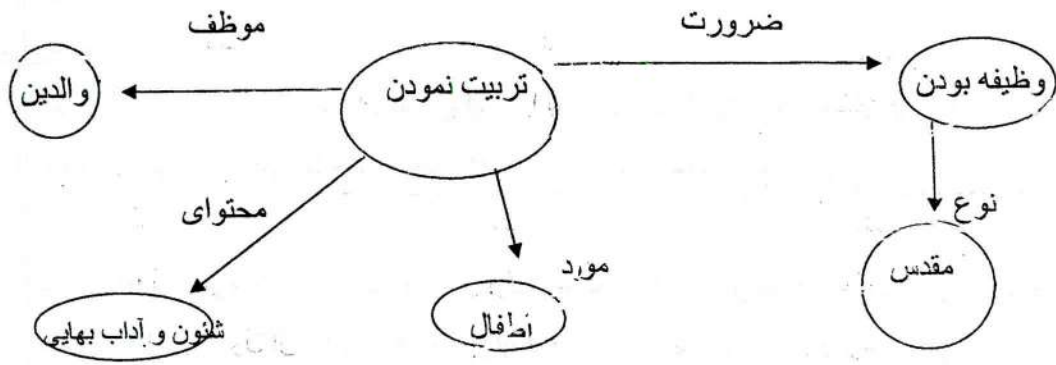
ص ۷۵

" ... وظیفه مقدس والدین آن است که اطفال را به شنون و آداب کامل بهایی تربیت نمایند "

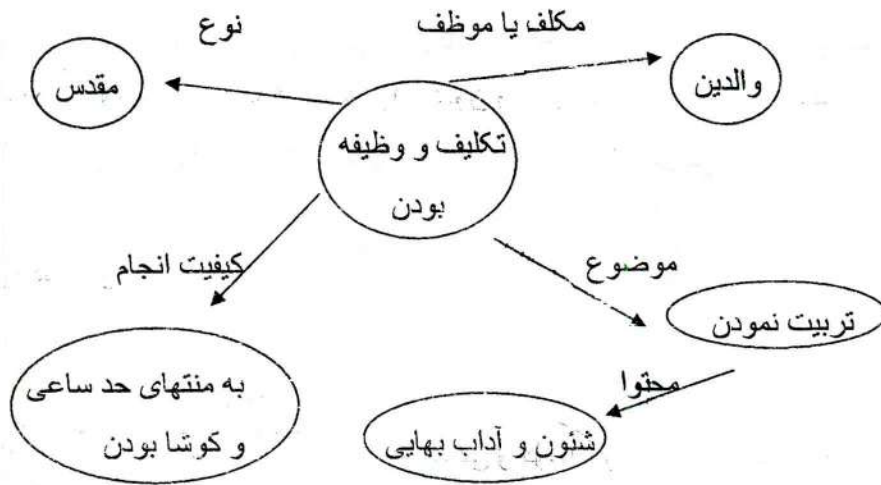
ص ۹۵

نمودار فقره دقیقه اول :





نمودار ترکیبی: موضوع مشترک دو نمودار ترکیبی و وظیفه والدین است



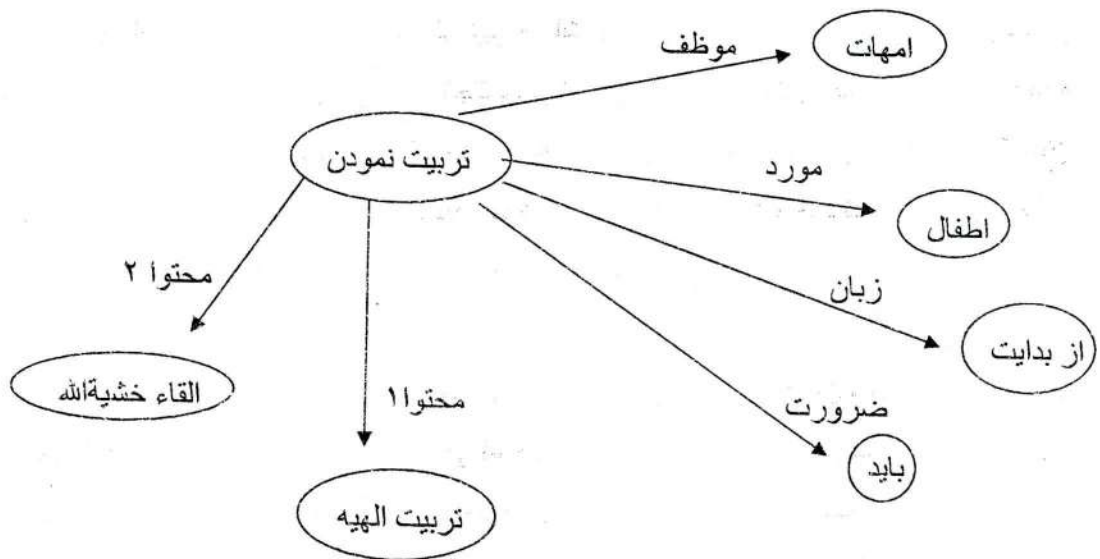
حال می توان نمودار فوق را که حاوی کلیه مطالب دو فقره دقیقه است تبیین سیستمی نمود
 تمرین در کلاس شماره ۶ نمودار ترکیبی فوق را با توجه به نظام عرضه اطلاعات تبیین سیستمی کنید

نمودار ترکیبی :

دو فقره دقیقه زیر را بر اساس موضوع مشترک پس از تعیین نام عرضه اطلاعات تبیین سیستمی نمائید .

" اطفال را باید ... از بدایت به تربیت الهیه تربیت نمایند ... "

" این اطفال را باید امهات از بدایت ... القاء خشیه الله نمایند ... "



تمرین در کلاس شماره ۸ : برای فقرات دقیقه زیر بر اساس موضوع مشترک نمودار ترکیبی رسم نموده و پس از تعیین نظام عرضه اطلاعات تبیین سیستمی کنید

" ... اطفال را از سن شیرخواری ... پر همت نمائید " ص ۴۵

" ... اطفال را از سن شیرخواری ... اقدام در امور مهمه بیاموزید " ص ۴۵

" ... در بلندی همت اطفال کوشش نمائید ... " ص ۶۵

توضیح : در سه فقره فوق موضوع مترادف (پر همت نمودن ، بلند همت بودن و اقدام در امور مهمه) را موضوع مشترک قرار دهید .

فصل سوم :

انواع تبیین سیستمی

۱- تبیین سیستمی متمرکز

در تبیین سیستمی متمرکز حضور سئوال های چپستی و مطلق و تعاریف و توصیفات شخصی درباره موضوعات و نیز وجود سئوال های چپستی و کیستی نسبی و پاسخ آنها ضروری است . به عبارت دیگر تبیین سیستمی متمرکز یک فقره دقیقه و یا فقرات دقیقه را به طور جامع و کامل ، فقط از روی نمودار روابط مواضع آن (یا نمودار ترکیبی فقرات) می توان نوشت ، البته توام با توضیحات و اضافات اندکی که در هنگام نوشتن در متن گنجانده می شود و نیز می توان برخی تغییرات در نحوه نوشتن پرسش ها و پاسخ ها به جهت زیبا و رسا ساختن متن ایجاد نمود . به این ترتیب در نگاشتن تبیینات متمرکز افکار و عقاید شخصی نویسنده مجال چندانی برای جولان وجود ندارد و حقایق معانی همان نفس فقرات مبارکه است که در تبیینات جلوه گر می گردد .

۲- تبیین سیستمی مبسوط

در این نوع تبیین حضور سئوالات چپستی مطلق و نسبی و پاسخ های آن ضروری نیست . در اینجا فقط وفاداری تام و کلیات سیستم موضوعی فقره (یا فقرات) دقیقه کفایت می کند . به همین دلیل تبیینات مبسوط را می توان مستقیماً از روی فقره (یا فقرات) دقیقه نیز نوشت . به این ترتیب در تبیینات مبسوط برای نویسنده ممکن بلکه مطلوب است که به علائق و سلائق شخصی و ادراکات و نظریات ذهنی و اشواق و احساسات قلبی نیز مجال جولان و فوران بدهد . اما نمی تواند از سیستم موضوعی جدا شود و احیاناً بعضی مواضع کلی و مفاهیم اساسی را نادیده انگارد . همانگونه که در تبیین سیستمی متمرکز مجاز نیست هیچ موضعی و هیچ رابطه ای را نادیده گذارد .

۳- تبیین سیستمی ملخص

در این نوع تبیین نویسنده می کوشد خلاصه و فشرده سیستم موضوعی فقره (یا فقرات) دقیقه را عرضه کند . اما در اینجا کلمه خلاصه معنا و مفهوم نسبتاً متفاوتی دارد زیرا در این نوع خلاصه نگاری فقط اسکلت محوری سیستم موضوعی است که تبیین می شود . اسکلت موضوعی محوری از به هم پیوستن مواضع درجه اول و درجه دوم تا حتی درجه سوم که در نمودار روابط مواضع یا نمودار ترکیبی موجودند حاصل می شود (یعنی به عبارتی درجه خلاصه نگاری در اختیار خود ما است) بنابراین به این معنی ، نوشتن تبیینات ملخص ، بطور مستقیم از روی فقره یا فقرات دقیقه امکان پذیر نیست و برای این کار باید حتماً از نمودار استفاده نمود عین اعمال فوق را در هر سه نوع فعالیت می توان بجای نوشتاری به صورت گفتاری انجام داد که به آنها تقریرات سیستمی متمرکز و مبسوط و ملخص می گوئیم .

تمرین در کلاس شماره ۹

سئوالات زیر را پاسخ دهید :

- ۱- تقریر سیستمی یعنی چه ؟
- ۲- تبیین سیستمی چیست و چه انواعی دارد ؟
- ۳- درباره تبیین سیستمی متمرکز ۲ سطر بنویسید .
- ۴- درباره تبیین سیستمی مبسوط ۲ سطر توضیح دهید .
- ۵- درباره تبیین سیستمی ملخص ۲ سطر بنویسید .

نمونه ای عالی از تفکر و تعمق

حال که به تأییدات الهیه مهارت لازم و کافی را جهت تفکر و تعمق بر نصوص الهیه از طریق روش تفکر تحلیل - ترکیبی به دست آوردید انتظار می رود جمیع آموخته ها و حاصل تفکر و تأمل و تعمق خود را در خدمت به امر الهی و در جهت تعلیم و تربیت نونهالان گلشن توحید در عرصه های مختلف به کار بندید . در اینجا نمونه ای عالی از نوع تفکر و تعمق در آثار تربیتی که در مقاله ای بسیار جذاب جلوه نموده تقدیم می گردد باشد که روش و منش نفوسی چون شهید رفیع المقام استاد و فیلسوف گرامی امر بهایی دکتر علیمراد داودی الگوی اهل بهاء و جوانان عزیز علی الخصوص مربیان بهایی گردد .

تربیت در آئین بهائی

آغاز سخن در هر گفتاری که به قصد ورود در یکی از مباحث امری بنگارند باید این باشد که آنچه من توانسته‌ام بخوانم و از آنچه خوانده‌ام بفهمم و از آنچه فهمیده‌ام بنویسم این است. . . تا مبادا خواننده‌ای گمان برد که نویسنده را ادعای استیفای مطلب بوده است. شاید بتوان گفت که این قاعده درباره مقاله‌ای که موضوع بحث آن و تعلیم و تربیت از لحاظ دیانت بهائی است بیشتر از موارد دیگر صادق می‌آید زیرا که دیانت بهائی امر حضرت بهاء‌الله است. حضرت بهاء‌الله به تعبیر حضرت عبدالبهاء مربی عالم انسانی است. بنابراین هر چه در امر بهائی آمده به معنی تربیت، به قصد تربیت و در مسیر تربیت بوده است، مبادی روحانی، تعالیم اخلاقی، نظم اداری و احکام شرعی و هر آنچه مستفاد از مضمون آثار قلم اعلی است مجموعه‌ای است که عنوان واحد تربیت بهائی را می‌توان بر آن اطلاق کرد. پس کسی را که باید ادای تکلیف کند. امر لجنه مجله را در تحریر این مختصر ولو خارج از حدود بضاعت اوست انجام دهد چاره‌ای نمی‌ماند جز اینکه نظری به بعضی از اوراق ببیند و بکوشد تا بقدری که مقدور او باشد مبانی آنها را باز یابد از آن پس جرأت بخود دهد و قلم به دست گیرد و برخی را از آنچه فهمیده است بنگارد و قبل از اینکه چنین کند عنر قصور بخواهد.

وجوب تربیت

تربیت در امر بهائی جزء فرائض دینی است. به قصد تهذیب و تزئین نیامده است. اقدام به آنرا در اختیار اشخاص نهاده‌اند. کسی نمی‌تواند از آن سر باز زند. حکمی است که در کتاب انرا واجب داشته‌اند. تکلیفی است که بر دوش مردم نهاده‌اند. رقمی است که حوالت آنرا بقلم اعلی نگاشته و بر ذمه اهل بهاء گذاشته‌اند. کسانی که به تربیت نپردازند یا از آن شانه تهی کنند از انجام امری که بر آنان فرض است سر باز می‌زنند. از این رو باز خواست می‌شوند، به کیفر می‌رسند، هر آنچه خود می‌بایست بکنند بگردان ملتزم می‌گردند. این باز خواست را خدا می‌کند و مردم به حکم ایمانی که به خدا دارند می‌کوشند تا آنچه را که او گفته است بکار بندند. تربیت به حکم ایمان فرض است و غفلت از آن وجدان مومن را بخوف و خشیت می‌اندازد و مضطرب و متلاطم می‌سازد. در نتیجه این اضطراب تعهد روحانی بتربیت اولاد است بی آنکه احتیاجی به الزام عامل خارجی باشد. اما اگر پدری یا مادری را چنین احساسی حاصل نشود، قصور در تربیت فرزندان او را از خدا نترساند و وجدان او تحت تأثیر ایمان او به اضطراب نیفتد به حسب ظاهر نیز با مکاتبات روبرو می‌شود. این جزا در مقام اول جزای معنوی است یعنی به صورت سقوط حق پدری است. چون هر تکلیفی مستلزم حقی است و آنجا که حقوق ساقط شود تکالیف از اعتبار می‌افتد در برابر چنین پدری که قصور در تربیت حق اثبات را از او گرفته است تکلیفی بر ذمه اولاد نمی‌ماند و این خود جزای بزرگی است. اما اگر به حکم ایمان عمل کند و در پرورش فرزندان چنانکه شرط این ایمان است قصور نرزد بهاء خدا که برتر از آن

کمالی نیست نثار او می‌شود و رحمت و عنایت خدا که سبقت بر حجتین ^{استی دارد سرپای او را فرا} می‌گیرد و این رحمت بدانجا می‌رسد که جمال قدم آنرا که بتربیت طفلی برخیزد و در تمام ^{یک} از فرزندان خود جان می‌بخشد. این تکلیف منحصر بدان نیست که اشخاص به تربیت اولاد خود پردازند، زیرا که در ساحت امر بهائی از خودی و بیگانه نشان در میان نیست. آنجا که نخست به هر کسی تربیت فرزند خود را لازم آورده و آن را در حکم تربیت فرزند جمال ابهی شمرده‌اند پرورش یکی دیگر از کودکان را نیز در همین مقام نهاده و همین پاداش را در برابر آن روا دیده‌اند. در مقام دیگر دامنه رحمت را فراتر گرفته و از ابناء نوع بشر خواسته‌اند که توجه به اولاد خود و اولاد دیگران را یکسان نمایند و آن را که استعداد بیشتر باشد نخست اهتمام در تربیت او کنند علی‌الخصوص کوشش در پرورش نیازمندان را واجب تر شمارند.

این امر واجب به هر صورت باید انجام گیرد و طفلی نباید از رحمت تربیت محروم ماند. بهتر آنکه پدران و مادران خود بدین کار برخیزند. اما اگر نکنند تکلیفی است که از ذمه آنان بدمه جامعه منتقل می‌شود. امنای امر، وکلای ملت، اعضای بیت العدل هر محل باید این تکلیف را عهده گیرند و جبران قصور آنان کنند. خرج تربیت را از پدران توانگر بستانند و بجای پدرانی که نیازمند ناتوانند این مخارج را از اموال عامه تقبل نمایند. اما درباره اولادی که پدر و مادر ندارند بطریق اولی اجرای این تکلیف و قبول مخارج آن به همین مقام باز می‌گردد. برای اینکه بتوان چنین کرد از جمله صادرات اموال اشخاص مبلغی را معین داشته‌اند که باید به قصد انفاق در این سبیل به بیت العدل بلد بپردازند. تا هیچ‌کس را یاری آن نباشد که از این امر خطیر تن در زند و هیچ مرجعی نتواند به دستاویزی شانه از این بار، که بار عشی است و با منت باید کشید، تهی کند.

این همه تأکید از آنجا است که در آئین بهائی انسان اگر تربیت نشود در حکم حیوان بلکه بدتر از آن است. زیرا که حیوان بحکم طبیعت آنچه باید بکند می‌داند و حاجتی ندارد که چیزی از کسی بیاموزد. ولیکن انسان که برخوردار از اختیار است و فارغ از قید ضرورت طبیعی است اگر تربیت نشود بحکم قدرتی که در انتخاب طریق عمل دارد امکان انحراف و استقامت هر دو او را حاصل است و حتی احتمال انحراف به تحریک غرائز حیوانی و عوامل شهوانی بیشتر می‌رود. در هیچ مبحثی نمی‌توان از یاد برد که امر بهائی آئین وحدت عالم انسانی است. در چنین غایت تربیت باید این باشد که حصول وحدت را میسر سازد به همین سبب اصول تربیت نیز باید در سراسر جهان از لحاظ توجه باین غایت واحد یکسان باشد تا بتوان با قبول آن اصول باین غایت تحقق بخشید این اصول چیست؟ شمه‌ای می‌توان در این باره بیان کرد:

تربیت روحانی

در امر بهائی تربیت روحانی و تربیت مادی هر دو لازم است. جانب هیچیک را نمی‌توان مهمل گذاشت اما باید توجه داشت که تربیت مادی در خدمت تربیت روحانی است. باید به تربیت مادی پرداخت تا بهیچات تربیت روحانی را فراهم ساخت. بهائی باید تندرست و توانا و توانگر باشد و مشروط بر اینکه صحت و قدرت و ثروت او در راه خدمت بحقیقت انسانیت بکار افتد و اگر نیکو بنگریم معنی روحانیت جز این نیست. تربیت را نباید وسیله‌ای برای وصول به ثروت دانست یا به تصریح حضرت عبدالبهاء نباید کسی را بدان منظور تربیت کنند که "میلیونر" شود.

تربیت روحانی که اس اساس تربیت و غایت قصوای آن است مقتضی القاء محبت الله به دل‌های کودکان است و این لطیفه‌ای است که با درج آن در کتاب اقدس تجدد حیات روحانی نوع انسانی تحقق یافته است. چون عمل به احکام الهی و قبول تعالیم دینی بر طبق اصول امر بهائی باید از دوست داشتن حق مایه بگیرد تنها در چنین وضعی است که می‌توان از حیات روحانی اطمینان یافت و گرنه تبیینی که تنها از وعده و وعید مایه می‌گیرد و یا بر پایه بیم و امید باشد بی آنکه چاشنی محبت بر آن زنند بیشتر به داد و ستد می‌ماند و دین داری چون بدین صورت در آید سوداگری می‌شود. محبت خدا محبت مظهر امر اوست به همین سبب کودکان بهائی را باید دوستدار جمال ابهی و شیفته و دلداد او ساخت. و دین داری آنان را به صورت مهر ورزی به جمال قدم و عشقبازی با اسم اعظم در آورد. و البته برای اینکه چنین بتوان کرد نخست باید عشق را در دل خود پرورد تا آثار آن خود به خود از ما ظهور یابد و بر دل‌های کودکان نقش بندد. آنگاه باید زمزمه عاشقانه سر دهیم، با سرودها و شعرها و ترانه‌ها که به زبان می‌آوریم و سوز و گداز عشق را در قالب آنها فرو می‌ریزیم حال دل خود را باز گوئیم. این نغمه‌ها را یک حرف و دو حرف بر زبان آنها گذاریم. شامگاهان با ترنم اشعار جمال قدم به خواب نازشان فرو بریم، بامدادان با نوای جان افزای مناجات بیدارشان کنیم و سرگذشت‌های دل انگیز از جمال جانان در حضور آنان بگوئیم و بشنویم، عشقی را که طلعت دلدار به نوباوگان بهائی داشته و آن را به اقسام مختلف در آثار خود باز نموده است به هر زبانی در هر مجال بدانان برسانیم تا از این همه قربت که در بارگاه عزت داشته‌اند همواره بر خود بیالند و سر به آسمان برافرازند و مهر چنین محبوبی را به بهای جان خریدار شوند. منتهی در همه این موارد "شرط اول قدم" این است که پایدار و پای افشار باشیم در شیوه خود مداومت کنیم. اتصال مسیر تربیت را به هم نزنیم چنان نباید که گاهی بر اثر هیجان آنی کاری کنیم و از آن پس چنانکه گوئی رسم راه ما نبوده است آن را به یک سو نهیم و سر از جای دیگر بر آوریم. چنان نباشد که شور مستانه‌ای که به نام مهر دلدار از ما آشکار می‌شود رنگ ریا به خود بگیرد و آثار تظاهر و تصنع بر آن لایح باشد و...

مربی باید باور کند که سرآغاز تربیت اهتمام در تدین اولاد است و هر امر دیگری را باید بر این پایه استوار ساخت. نخستین خطای مربی این است که در پی آن برآید که مبنای غیر دینی برای

اخلاق بشر بیابد و گمان کند که ملکات و کمالات را می‌تواند از راهی جز راه تدین در قلوب اطفال راسخ کرد. راهی که دیگران در مغرب زمینه رفته و اینک از جایی سر در آورده‌اند که بر سوگ اخلاق نشسته و زانوی غم در بغل گرفته‌اند. روا نیست که در اینباره به جایی اطاعت آثار قلم اعلی تقلید علما و حکما کنیم و یا خود را به تجدد بازي و فرنگی مآبی بزیم و ادای دیگران را بدن سبب که از دیار باخترند تا آنجا در آوریم که راه رفتن خود را از یاد ببریم. اگر خود را بهائی می‌دانیم و امر جمال قدم را باور داریم باید این سخن را از آن مالک امم بپذیریم که پرورش دادن و بار آوردن کودکان آنگاه مطابق مطلوب ما تواند بود که با تعلیم دین داری و خداشناسی آغاز شود.

تربیت اخلاقی

امر بهائی با رشته‌های که نمی‌توان گسست به انسانیت پیوسته است. از همین رو مهر ورزیدن به جمال قدم باید دل سپرین به نوع بشر را موجب شود و پس از تقویت ایمان کودکان به مر الهی تحکیم روابط آنان با نوع بشر مطمح نظر گردد یعنی توجه به تربیت اخلاقی و تحصیلی داب انسانی مقدم بر کسب علوم و تحصیل صنایع باشد.

اصل اول تربیت اخلاقی بر طبق تعالیم بهائی این است که اطفال ارتکاب خطا را بزرگترین مجازات بدانند یعنی نباید چنان به بار آیند که تنها از ترس کیفر بد نکنند. البته باید کیفری به میان آید تا خیمه نظم عائم بر پای ماند. منتهمی این کیفر در مقام اول باید همان کار بد باشد. کودکان را باید چنان پرورش داد که اگر دروغ گفتن یا ترک ادب کردن یا ستم راندن را مرتکب شوند از نفس همین اعمال رنجی ببرند که جانکاه باشد نه اینکه از ترس کیفر دیگر از این کارها سر باز زنند. چون اگر چنین باشد پیوسته باید بدانان کیفر داد و این کیفر را دم به دم باید شدیدتر کرد تا به جایی برسد که معنی خود را از دست بدهد یا امکان آن از میان برده و در چنین روزی است که باید امید از چنین کسی برید. او را به امان خدا سپرد و در دل دعا کرد تا نکبتی را که مقدر بوده است یا بهتر آنکه بگوئیم که مری برای او مقرر کرده است با شکیبائی و بردباری بپذیرد.

مربی برای اینکه در تربیت اخلاقی موفق باشد احتیاجی به کسب کمالات صوری و تحصیلی علوم و معارف ندارد. البته اگر چنین کند بهتر است. اما نباید گمان برد که تا کسی تحصیل علوم نکند به تربیت قادر نمی‌آید. چون شخص مری وجود خویش را به زیور دانش بیاراید کار او زیباتر می‌نماید اما آنچه بر او ضرور است و در ردیف تفنن و تجمل محسوب نیست ثبوت ایمان اوست عشق او به جمال ابهی است تخلق او به اخلاق بهائی است. شاهد این مدعا را می‌توانید در شهر خود، در کوی خود در خانه خود ببینید، چه بسا پدرانی که بیسواد مانده و مادرانی که ابجد نخوانده‌اند کودکان برومند و توانا و نیکوکار و دیندار و بی‌نیاز و سر بلند ببار آورده‌اند و چه بسا دانایان سخنور زبان آور و نازک بین و نکته دان در کار تربیت فرو مانده‌اند.

تربیت علمی

این سخن را بدان معنی نباید گرفت که شأن علم را در تربیت تحقیر کنیم و از مقام عظیم آن غافل باشیم بر شخص بهائی این تهمت روا نیست و خود او نیز نباید در این اشتباه بیفتد. منظور این است که نمی‌توان علم را اصل تربیت و مدار اخلاق شمرد و جانشین ایمان و اخلاص و انجذاب ساخت. اما پس از اینکه بنای تربیت بر پایه تدین نهاده شد و اخلاق جای استواری به دست آورد تا پای بر آن گذارد و از تزلزل در امان باشد بی هیچ گونه تأمل باید به دعوت علم پرداخت.

نوشتن و خواندن به خطی و زبانی، باید خط و زبان، به کودکان آموخت خط اگر چه تا حدی که رفع حاجت کند کافی است و روا نیست که چون پیشینیان سالها و عمرها وقت گران بها را بباد فنا سپرد تا خط ما هر چه زیباتر شود اما به هر صورت رنجی در اینباره باید برد تا حب جمال که از شئون حیات بهائی است با حسن خط کودکان در آن مایه بگیرد. زبان را باید وسیله تفکر و تفاهم بشماریم و ابزاری برای تحصیل معرفت بینگاریم نه اینکه خود آن را غایت قصوای علم بدانیم. زبان را باید به قصد این بیاموزیم که نخست الواح و آیات و آثار الهیه را بخوانیم و آنچه را که در آنجا گفته‌اند دریابیم و چون آثار الهیه در این دور بدیع به زبان فارسی و زبان عربی است این دو زبان را باید فرا گرفت و به حدی در آنها مهارت یافت که حداقل علم را به تعلیم امر بهائی از راه خواندن و فهمیدن آثار مبارکه به دست آورد. و آنگاه زبانی از زبانهای بیگانه را فرا گرفت تا هر کسی لا اقل دو زبان بداند که با یکی از آن دو بتواند با همگان خود سخن گوید و با زبان دیگر ارتباط و اتحاد با سراسر عالم بشر که مبنای تعلیم بهائی است ویرا میسر شود. البته زبان دوم بموقع خود به تشخیص بیت العدل اعظم انتخاب می‌شود تا زبان جهانیان باشد و وحدت خط و اسان در عالم انسان تحقق پذیرد. اما عمری را بر سر تحصیل السنه متعدده گذاشتن یا به اصطلاح متداول زبان دان شدن و این امر را که وسیله‌ای بیشر نیست به جای غایت شناختن و هدف تیر همت ساختن روا نیست اتلاف وقت و تضییع عمر است. مربی باید از ترتیب اطفال از این امر احتراز کند و آنها را به این راه بی سرانجام نیاندازد. اما از این نکته غافل نباشد که کودکان باید بتوانند به همان زبانی که می‌آموزند نطق فصیح کنند، زبان آور و سخن ور شوند پیام ایمان را از راه بیان بگوش آدمیان برسانند. زبان بریده به کنجی نستن را از کودکان بهائی باید دور داشت و آنان را به گفت و شنودی که از دل بر خیزد بر دل نشند بر گماشت. زیرا که سردار اهل بهاء در جهان روحانی خود تقوی است و یکی از دو سپاهی که به مان این سردار رو به میدان می‌کنند سپاه بیان است. در تعلیم علوم که از فرائض تربیت بهائی است باید توجه داشت که علمی را بیاموزند که نافع باشد، به کشف حقایق منتهی شود، تأمین مصالح نوع ثمر کند موجبات ارتفاع نوع انسان را در مراتب کمال فراهم سازد. بحث الفاظ را مدار معارف نشمارد. علم را به صورت مجموعه مباحثی که به لفظ آغاز می‌شود و به لفظ پایان می‌پذیرد در

نیاورند . مانند اصحاب حکمت در قرون وسطی و طلاب مدارس آن روزگار قیل و قال و نزاع و جدال را از فرائض ارباب علم و کمال مینگارند . تحصیل صنعت را که وسیله امرار معیشت است نباید در تعلیم و تربیت مورد غفلت قرار داد زیرا که اهل بهاء به موجب تعلیمات قلم اعلی باید از راه اکتساب و اقتراف زندگی کنند .

بر آنان روا نیست که سربار دیگران باشند ، بنشینند بخواهند و بگیرند و بخورند و بخوابند . به امید ارثی که از پدر می‌برند یا مددی که از دوستان و خویشان و نزدیکان می‌گیرند راحت گزینند با سرمایه‌ای که از فریب کاری و کلاهبرداری و صحنه سازی و زبان بازی و پشت هم اندازی فراهم می‌کنند خود را نیازمند فرا گرفتن صنعت ندانند .

تأثیر تربیت

تربیت موثر است . هم به اقوال و هم به اعمال می‌توان تربیت کرد . منتهی تربیت به اعمال بهتر و بیشتر و زودتر اثر می‌گذارد . از تربیت به اقوال نیز آنگاه که با حسن اعمال مقارن باشد ثمری می‌توان به دست آورد . مربی اگر خود به آنچه می‌گوید عامل نباشد رنجی می‌برد که اجری ندارد . هم خود را عذاب می‌دهد و هم طفلان را به زحمت می‌افکند . بی آنکه از آن عذاب سودی بگیرد یا از این زحمت بهره بردارد .

در تأثیر تربیت تأکید باید کرد . اما نباید در اینباره چندان مبالغه نمود که این گمان حاصل آید که تربیت قادر به تغییر فطرت است . استعداد فطری اشخاص و اختلاف آنان را در مراتب استعداد مسلم می‌گیریم و تأثیر تربیت را تنها بدین صورت می‌پذیریم که استعدادی که در نهاد هر فردی از افراد انسان پوشیده و پنهان است از راه تربیت آشکار می‌شود . اگر تربیت نباشد فطرت انسان مانند دانه‌ای که آن را در محیطی از خاک مناسب به زمین فرو نکنند و آب به حد کفایت بدان نرسانند و از هوای مطلوب برخوردارش نسازند و کار و کوشش باغبان را به یاری آن نفرستند به دست زوال سپرده می‌شود و تأثیر تربیت در همین حدود است . نه اینکه مربی متوقع باشد که با تربیت خود فطرت را دیگرگون می‌سازد و یا استعدادی را که در طفلی نیست به وی ارزانی دارد .

تربیت را باید زودتر از آنچه معمول است آغاز کنیم وگرنه تأثیری ندارد و یا تأثیر آن بسیار ناچیز و بی مقدار می‌شود . بعد از بلوغ چندان امیدي به تأثیر تربیت نمی‌توان بست . تربیت باید از خردسالی یا به تصریح مرکز میثاق از شیر خوارگی آغاز شود . از همین روست که فرموده‌اند که اول مربی طفل مادر است . از همی جاست که تربیت دختر بر تربیت پسر است . اگر پدری را ممکن نشود

که هم دختر و هم پسر را تربیت کند آنکه می‌تواند مهمل گذارد دختر نیست ، زیرا که دختر چون بس به کمال برسد مادر شود ، مادری که تربیت نیافته است تربیت نمی‌تواند کرد و چون مادر نتواند یا نخواهد تربیت کند نه از پدر کاری ساخته است نه از هیچ مربی دیگر .

سخن را نمی‌توان به پایان برد زیرا که بحث درباره تربیت بر حسب تعالیم بهائی است و این دریا را کرانه‌ای نیست اما از يك نکته به هر صورت نمی‌توان گذشت و آن اینکه تنها به پرورش روان نباید پرداخت بلکه تن را نیز باید پرورش داد تا مرکب رُهواری برای روان باشد . در اینجا باز روی سخن مربی روحانی عالم انسانی به سوی مادران است . بدانان می‌گوید که باید آنچه موجب قوت بنیه و صحت بدن اطفال است فرا گیرند . کودکان را چنان بار آورند که تندرست و برومند و توانا باشند . علي الخصوص طاقت تحمل مشقت بیابند و به زحمت و مرارت خوی بگیرند . طفل بهائی را چه دختر چه پسر نمی‌رسد که ناز پرورده و خوش خورده و تن آسان و زود شکن باشند . زیرا که کار او پیمودن راهها ، سر در آوردن از جنگلها ، فرا رفتن به کوهها ، گذشتن از دریاهاست . قصد او شکستن ببند تعصب ، گشودن کمند عداوت ، آزاد کردن بردگان خرافات ، آب ریختن بر آتش جهانسوز جانگداز جنگ ، به هم پیوستن نوع بشر از هر دین و هر رنگ و هر نژاد و هر کشور است . کاری به این همه دشواری از مردان و زنان تن پرور خوش گذران ساخته نیست .

طهران : ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱

علي مراد داودي

تمرین در کلاس شماره ۱۰

۱- به نظر دکتر داودی آغاز سخن در هر گفتاری که به قصد ورود در یکی از مباحث امری است

چگونه باید باشد؟

۲- عناوین اصلی در طبقه بندی مقاله دکتر داودی چیست؟

۳- موضوعات اساسی مطرح شده در مقاله دکتر داودی را بر اساس موضوعات ۷ گانه جزوه

جستجو کنید.

۴- آیا موضوعی از عناوین ۷ گانه وجود دارد که در مقاله دکتر داودی مطرح نشده باشد.

۵- درباره خصوصیات و شخصیت دکتر داودی به عنوان یک معلم برجسته گفتگو کنید.